

گورهای تازه در گلستان خاوران

خاوران (پشت قبرستان آرامنه) محل دفن اجساد انقلابیون و قهرمانانی است که به سازمان‌های چپ تعلق داشته‌اند. هنوز از نام و نشان دلاوران در خون فلجیده و تعداد آنان گزارش‌های دقیق دریافت نشده است. به دنبال همیلت نظامی سازمان مجاهدین خلق در غرب کشور، زندانیان وابسته بقیه در صفحه ۳

به سلول‌های انفرادی منتقل کردند. حکم اعدام این افراد به تایید عالیترین ارگان آدمکشی رژیم رسیده بود. گزارش‌های بعدی برای دلالت داشتند که رژیم ققما نقشه مولناک کشتارهای وسیع‌تری از زندانیان سیاسی را نیز در سر می‌پرورد. از آن هنگام تاکنون قریب ۷۰۰ گور جدید در محل گلستان خاوران پدیدار گشته است. گلستان

ددمنشان حاکم بر میهن در پس حصارهای شکنجه‌گاه‌ها به کشتار فرزندان اسیر خلق ادامه می‌دهند. آنان از اوایل مرداد ماه برای جلوگیری از انتشار خبر وقوع جنایات جدید در زندان‌ها کلیه ملاقات‌ها را قطع کرده‌اند. همچنان که طی شماره‌های اخیر نشریه گزارش کردیم، شکنجه‌گران جمهوری اسلامی ۵۵ نفر از زندانیان سیاسی را

اکثريت

نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۷ برابر ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال، سال پنجم - شماره ۲۲۴

کردستان - تداوم قتل عام يك خلق

جمهوری اسلامی و ترکیه طرح بقیه در صفحه ۸

ادامه یافت. دهها هزار سرباز به منطقه اعزام کرده‌اند تا با هم‌دستی

جنایت بزرگ رژیم عراق در کردستان، هفته پیش نیز با شدت



آوارگان کرد عراقی در محاصره نظامیان ترک در گریز از افعی در دام اژدها افتاده‌اند

به دستور خمینی، موسوی استعفایش را پس گرفت

رسانه‌های خبری جمهوری اسلامی هنوز مشغول جنجال در بزرگداشت "هفته دولت" و اقدامات مشعشع "دولت خدمتگزار" و "کابینه جنگ" بودند که حسین موسوی نخست وزیر این دولت با اعلام استعفای خود همه آنان را غافلگیر کرد. اطلاعات کوتاهی که این خبر را بازتاب می‌داد در روز سه شنبه ۱۵ شهریور ماه از رادیو ایران پخش گردید. اگر چه همراه این خبر، مخالفت رئیس‌جمهور خامنه‌ای با پذیرش استعفا، و ادامه کار موسوی نیز اعلام شد، اما این نمی‌توانست از اهمیت این رویداد بکاهد و هم‌وقت شکاف در راس هرم حکومتی را بپوشاند، از این رو چه در جهان و چه در سطح کشور بازتاب فوق‌العاده‌ای یافت. رسانه‌های خبری جهان که بلافاصله این خبر را منتشر کردند، افزودند که استعفا در پی بن بست بقیه در صفحه ۲

مذاکرات در ژنوبه بن بست رسیده است

* مذاکرات احتمالاً در نیویورک پی گرفته خواهد شد

جمهوری اسلامی با انتقال محل مذاکرات از ژنوبه نیویورک موافق است. در آغاز هفته گذشته عراق شروط خود را برای ادامه مذاکرات این چنین فرموله کرد: ایران باید به آتش بس در دریا نیز احترام بگذارد، آزادی کشتی‌رانی عراق در تنگه هرمز تضمین شود و سوم این که ایران هم‌دهدار لایروبی شمال‌غرب گردد. جمهوری اسلامی در مقابل استدلال می‌کند که آتش بس به بقیه در صفحه ۳

کند. او بالاخره به بن بست رسیدن مذاکرات در ژنوبه راه اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد رساند و پرزاد کوئیار پس از مشاوره با پنج عضو دائمی شورای امنیت، اعلام کرد که تصمیم دارد محل مذاکرات را از ژنوبه نیویورک منتقل کند. هدف از این تصمیم آن است که دو طرف برای انجام مذاکره مستقیم و رسیدن به توافق تحت فشار بیشتری قرار گیرند. عراق از این موضوع ناخوش است اما هنوز موضعی رسمی در قبال آن اتخاذ نکرده است.

در هفته گذشته به بن بست رسیدن مذاکرات وزرای خارجه جمهوری اسلامی و رژیم عراق در ژنوبه قطعی شد. از مذاکره مستقیم طبیعتاً خبری نبود. الیاسون سفیر سوئد در سازمان ملل متحد که از جانب پرزاد کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد هم‌دهدار هدایت مذاکرات ژنوبه است، چندین بار بطور جداگانه با ولایتی وزیر خارجه خمینی و طارق عزیز وزیر خارجه صدام حسین ملاقات کرد تا دست کم تقدم و تاخر موضوعات مذاکره را تعیین

در این شماره

● جنگ علیه کردستان

در صفحه ۹

● کشتار در بوروبندی

در صفحه آخر

● کره جنوبی، در آستانه

برگزاری بازی‌های المپیک

در صفحه ۱۴

● چگونه می‌توان

مدعی نقش پيشاهنگ بود؟

در صفحه ۱۰

از سوی رئیس جمهوری به مجلس معرفی شود، موسوی و حامیان کار را با دور زدن خامنه‌ای از طریق تصویب طرحی در مجلس پیش بردند که مطابق آن تا آغاز کار رئیس جمهور آتی، موسوی از معرفی تازه بی‌نیاز شد. او مجاز شناخته شد که خود راسا ترکیب دولتش را به مجلس معرفی کند. آن زمان اوضاع آنگونه که موسوی می‌خواست پیش رفت و در همان چارچوب بنا بود که سه شنبه هفته گذشته هیات دولت جهت اخذ رای اعتماد به مجلس بروند که با استعفای موسوی روال دگرگونه شد. درست تر اینکه با دگرگونی در روال امور، موسوی مستعفی شد.

واقعیت اینست که موسوی همواره در مجموعه حکومت به حامیان نیرومندی متکی بود. بقا دراز مدت وی در پست نخست وزیری خود گویای این امر است. اما در همین حال دشمنان و مخالفین سرسختی هم داشته است. این تنها خامنه‌ای رئیس جمهور نبود که با حمله به "دولت سالاران" موسوی را آماج قرار می‌داد، حملاتی چنان سخت که موسوی برای درمان نگهداشتن خود بارها ناچار شد به خمینی پناه ببرد. آخرین بار ۸ ماه پیش بود که خمینی برای خنثی کردن یورش مخالفین سیاست دولت موسوی به شدت و هتلا خامنه‌ای را شایعات کرد بگونه‌ای که گمان می‌رفت وی دیگر نتواند موقعیت پیشین خود را در طیف بالای حکومت باز یابد.

اکنون که موسوی، نخست وزیر "دولت خدمتگزار" این همه درمانده شده است که خود را ناتوان از ادامه کار می‌بیند باین همه درمانده شده است که حتی پیش از اعلام هتلی استعفا به مذاکره با دیگران و از جمله خمینی را خالی از هر گونه فایده‌ای می‌یابد، قبل از هر چیز روشن می‌شود که حول سیاستی نوین، آرایشی نوین در میان نیروهای حکومتی پدیدار شده است و تحت این آرایش تازه از نیروی موسوی برای پایداری کاسته شده است و در مقابل توان تعرض مخالفین افزایش یافته است. رجعت خفت بار موسوی به کاخ نخست وزیری که به فرمان خمینی صورت گرفت - هیچ نشانه‌ای از تحکیم موقعیت با خود ندارد. رویدادهای هفته جاری و بویژه نحوه پیشبرد جریان اخذ رای اعتماد در مجلس می‌تواند نشان دهد که در آرایش نوین جایگاه دولت در کجاست.

به دستور خمینی

موسوی

استعفایش را پس گرفت



متن نامه خمینی به موسوی

جناب آقای موسوی نخست وزیر محترم!
نامه استعفای شما باعث تعجب شد. حق این بود که اگر تصمیم به این کار داشتید لااقل من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب الله برای یاری اسلام، فرزندان خود را به ترابگاه می‌برند، چه وقت گله و استعفاست! شما در سنگر نخست وزیری در چارچوب اسلام و قانون اساسی به خدمت خود ادامه دهید. در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید، چون گذشته عمل می‌شود، این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود رای دهد.
تغزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد. همه باید به خدا پناه ببریم و در مواقع مصیبت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سو استفاده کنند. مردم ما از این گونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده‌اند. این حرکات هیچ تاثیری در خطوط اصلی و اساسی انقلاب اسلامی ایران نخواهد داشت. از آنجا که من به شما هلاقمندم، انشاءالله در ملاقات مسایلی است که گوشزد می‌نمایم.

والسلام ۶۷/۶/۱۵
روح الموسوی الخمينی

وزیر دولت از پیش آشکار بود. این هدم توافق پیش‌تر در سال ۶۴- هنگام آغاز دوره دوم ریاست جمهوری خامنه‌ای - هتلا نیز ابراز شده بود. در آن زمان خامنه‌ای کوشیده بود از معرفی موسوی به مجلس به عنوان رئیس دولت سرباز زند. آن بار در برابر امتناع خامنه‌ای، موسوی نه فقط مستعفی نشد، بلکه با سرسختی ماند و خامنه‌ای را شکست داد. قبل و بعد این حادثه نیز بدفهاش کشاکش‌های تندی میان طرفین بر سر ترکیب وزرا در کابینه صورت گرفته بود که بازتاب کشاکش‌های موجود در سطح سران رژیم و در کل حکومت بود. آن همه نتوانست از سرسختی موسوی و حامیانش بکاهد.

در آستانه کار مجلس سوم وقتی که بناچار به عرف جاری می‌بایست نخست وزیر و کابینه‌اش یکبار دیگر

خمینی صادر گردید، برگزار شدو مذاکرات چاره جواینه در سطوح عالی حکومت بی‌چاره و بی‌آینده فقها در خفا ادامه یافت. در پی این مذاکرات بالاخره موافقت شد که از روز یکشنبه ۲۵ شهریور کار بررسی وزرای کابینه‌ای که از سوی موسوی معرفی شده بودند، در مجلس آغاز شود. هنوز روشن نیست که آیا این نتیجه یک توافق - هر چند نیم بند - است و یا ادامه ناگزیر حرکتی که از پیش آغاز شده بود؟

قالب رسانه‌ها بن بست موسوی را ناکامیابی در کسب توافق با رئیس جمهور و پیش‌بینی پدیداری دشواریهای جدید در جریان اخذ رای اعتماد از مجلس برشمردند. اما این نمی‌تواند روشنگر چنین دیداری باشد. عدم توافق خامنه‌ای نه تنها با برخی از وزرا که با نخست

بقیه از صفحه اول

مذاکرات میان رئیس جمهور و نخست وزیر رژیم خمینی در تعیین ترکیب کابینه صورت گرفت. مطابق این گزارش‌ها طرفین بر سر ۸ تن از وزرا یعنی بیش از یک سوم ترکیب کابینه نتوانستند به توافق برسند و در این شرایط موسوی نگران این مسئله بود که عده قابل توجهی از وزرای دولتش نتوانند از مجلس اسلامی رای اعتماد بگیرند. در یکی از برنامه‌های رادیویی رژیم نیز در معرفی انگیزه استعفا به همین مسئله اشاره شد.

اعلام مخالفت خامنه‌ای با پذیرش استعفای موسوی برای هادی‌سازی اوضاع در قله هرم حکومتی ظاهرا کارساز نبود، زیرا فردای آن روز خمینی به میدان آمد و با نامه هتلا آلودی از موسوی خواست به کار ادامه دهد.

موسوی که بدوا در جواب خامنه‌ای تنها ادامه کار تا تعیین نخست وزیر آتی را پذیرفته بود، این بار به مثابه "میرید و مقلد امام" پذیرفت که دیگر هتلا چون و چرا نکنند و راهیابی این مهمل را از طریق گفتگو با مقامات اصلی حکومتی و بویژه با شخص خمینی جستجو کند.

با دستور خمینی هیات دولت با همان ترکیب پیشین کار را از سر گرفت و نخستین جلسه آن، فردای روزی که پیام هتلا آلود

گورهای تازه در گلستان خاوران

ادامه دارد. مبادی ورودی شهرها بویژه شهر تهران کنترل می شود بر کنترل جاده های جنوب و غرب کشور تاکید بیشتری مشاهده می شود. پست های بازرسی و گشت ماشین ها را کنترل کرده اسامی مسافری و مقصدهای آن را پرسیده به پست های بعدی گزارش می کنند. پست های بعدی نیز بازرسی ها را با دقت تکرار می کنند. حالت هراس و وحشت زدگی رژیم کاملاً بچشم می خورد. در روز جمعه ۱۱ شهریور اکیپ های گشتی رژیم بطور ضربتی به خیابان های تهران ریخته و به بازرسی و کنترل ماشین ها و محلات شهر پرداختند. رژیم این اقدامات را مانور "مرصاد" نامید.

اعتراضاتی که تاکنون در سطح جهان برای افشا رژیم جمهوری اسلامی و آگاه کردن مجامع و نیروهای و مجامع ملی و بین المللی از آنچه در کشورمان می گذرد، صورت گرفته است بهیچ وجه متناسب با خطری که جان زندانیان سیاسی را تهدید می کند و گستره یورش های پلیسی برای به بند کشیدن مردم کشورمان نیست. دفاع از آزادی و جان آزادگان در بند را باید فارغ از هر گونه تنگ نظری، تعلل و "ما" و "اگر" با تمام توان به پیش برد. اقدام برای نجات جان همزمان اسیران، برای رهایی زندانیان سیاسی از خطر فوری تیرباران، شاید فزاینده باشد.

بقیه از صفحه اول
به این سازمان در معرض انتقامجویی جنایتکارانه رژیم خمینی قرار گرفتند. رژیم فقط از جو سیاسی ایجاد شده در راستای ارضای تمایلات خونخوارانه خود بهره گرفت. این تمایلات در سخنان رسمی مسئولین رژیم منجمله موسوی اردبیلی، رئیس شورای عالی قضایی نیز بازتاب نفرت آفرینی یافت. علاوه بر تعدادی از هواداران سازمان مجاهدین که در شهرهای غرب کشور به دار آویخته شدند، در دیگر زندان های کشور نیز تعدادی از زندانیان سیاسی مجاهد تیرباران شدند. خطر مرگ همه زندانیان مقاوم این سازمان را تهدید می کند.

تاکنون خانواده های زندانیان سیاسی در مراجعات مکرر خود به زندان ها و نهادهای ذیربط رژیم هیچگونه پاسخی در باره هزیزان زندانی خویش دریافت نکرده اند. زندانیان و مسئولین همه جا از دادن هرگونه خبری در مورد وضعیت فرد زندانی به خانواده وی خودداری می کنند. مراجعه جمعی خانواده های زندانیان سیاسی در روز پنجشنبه ۳۰ مرداد به شورای سرپرستی زندانها با تهدید و امتناع از هرگونه پاسخگویی مزدوران رژیم مواجه شد.

به موازات جنایات درون زندان ها، تجسس و بگیروبیند خیابانی و نیز دستگیری هواداران شناخته شده سازمان های سیاسی

مذاکرات در ژنوبه بن بست رسیده است

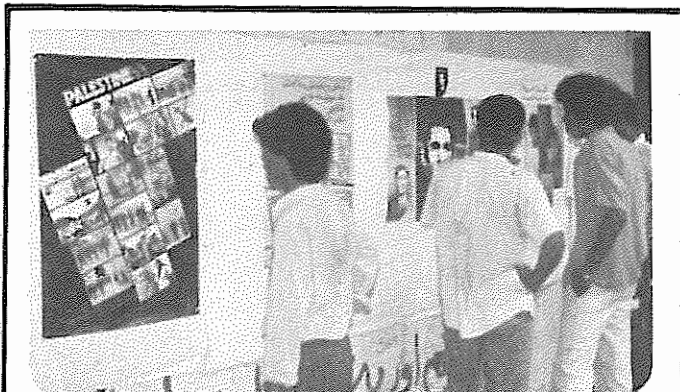
ایستادگی کرد. لایروبی شطالعرب حدود دو سال طول می کشد و چند صد میلیون دلار خرج بر می دارد. برخی از کشورهای عربی و اروپای غربی بطور ضمنی اعلام کرده اند که حاضرند در لایروبی شطالعرب مشارکت داشته باشند. در پی اقدامات دیپلماتیک صورت گرفته، در روز شنبه ۱۹ شهریور بالاخره ولایتی و طارق هزیز با مذاکره مستقیم موافقت کردند و بایکدیگر به گفتگو نشستند. هنوز از نتایج این دیدار اطلاعی در دست نیست. اگر همچنان مساله شطالعرب به عنوان گره عمده در مذاکرات جمهوری اسلامی و عراق باقی بماند، آینده مذاکرات وخامت بار خواهد بود. جمهوری اسلامی به بسیج نیرو برای پر کردن جبهه ها ادامه می دهد و عراق نیز در حالت تقویت ماشین جنگی خود است. نگرانی از آینده اوضاع واقعی است اما در همین حال هنوز نمی توان خوش بینی را از دست داد. خوش بینی در ناتوانی دو رژیم برای پیشبرد مجدد جنگ ریشه دارد. تصمیم پرزد و کولیاری مبنی بر انتقال مذاکرات به نیویورک تصمیم مدبرانه ای است. هر دو طرف باید تحت فشار بیشتری قرار گیرند و باید تصمیماتی اتخاذ شود که روند آتش بس بازگشت ناپذیر گردد. عقب نشینی نیروها به پشت مرزهای بین المللی باید به فوریت به اجرا در آید. کشتی رانی آزاد عراق در خلیج فارس و تنگه هرمز باید تضمین شده و در مورد آزاد کردن اسرای جنگی بیش از این نباید تأخیر شود. پس از این اقدامات، مذاکرات می تواند چشم انداز روشن تری بیابد و دست کم نگرانی های واقعی کنونی را برطرف کند.

بقیه از صفحه اول
معنی صلح نیست و لذا حق دارد کشتی های عراقی را در خلیج فارس و تنگه هرمز بازرسی کند و در مورد لایروبی شطالعرب باید مشخص نمود که این امر بر مبنای چه قراردادی صورت می گیرد: قرارداد الجزایر و یا جز آن. جمهوری اسلامی مبنای پیشرفت مذاکرات را قطعنامه ۵۹۸ می داند و اعلام کرده است که طبق این قطعنامه ابتدا باید عقب نشینی به پشت مرزهای بین المللی صورت گیرد.

الیاسون در هفته گذشته کوشید این موضع را به دو طرف بقبولاند که طبق قطعنامه ۵۹۸ عقب نشینی به پشت مرزهای بین المللی انجام شود و همزمان جمهوری اسلامی متعهد شود که در امر کشتی رانی آزاد در تنگه هرمز و خلیج فارس اختلال ایجاد نکند. هر دو طرف حاضر نشدند بر سر این دو نکته توافق کنند. جمهوری اسلامی می خواهد از موضعی زورگویانه همچنان به بازرسی کشتی های عراقی ادامه دهد و از این طریق بغداد را تحت فشار قرار دهد و عراق خواهان آن است که شطالعرب را به مساله محوری تبدیل کرده و هر توافقی را منوط به پذیرش حق حاکمیت مطلق عراق بر این رود سازد.

در هفته گذشته صدام حسین اعلام کرد که چیزی به نام قرار داد ۱۹۷۵ وجود ندارد. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر نیز که به بغداد سفر کرده بود اعلام کرد که مصر بر حاکمیت مطلق عراق بر شطالعرب تاکید دارد.

جمهوری اسلامی که در ابتدا با خواسته عراق مبنی بر لایروبی شطالعرب از سوی ایران مخالفت قاطعی نکرده بود، در هفته گذشته بیشتر در برابر این خواسته



در روز ۱۸ مرداد ماه، بمناسبت هشتمین سالروز شهادت رفیق نذیر عباسی رهبر فداسیون دانشجویان دمکرات پاکستان مراسمی در کراچی برگزار شد. هواداران سازمان در کراچی با حضور در این مراسم با قرائت پیام همبستگی با دانشجویان دمکرات پاکستان، یاد و راه رفیق عباسی را گرامی داشتند و به افشای جنایات رژیم پرداختند. در هکس، تصویر رفیق قهرمان لطفی را در نمایشگاه جنب سالن مشاهده می کنید.



طرح و ایجاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

در دومین جلسه هفتی مجلس بعد از تسلیم رژیم به پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جمعی از نمایندگان طرح انحلال وزارتخانه‌های دفاع و سپاه را برای بررسی و تصویب به مجلس ارایه دادند. در این طرح پیشنهاد شده است که وزارتخانه‌های ارتش و سپاه منحل شود و به جای آنها وزارتخانه ثالثی به نام "وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران" تشکیل گردد. طرح با قید فوریت به مجلس تقدیم شده بود که بعد از اظهار نظر نمایندگان مخالف و موافق، فوریت آن رد شد و خود طرح در دستور کار آتی مجلس قرار گرفت.

بحث پیرامون اقدام ارتش در سپاه و یاسپاه در ارتش، پس از انتخاب رفسنجانی به سمت جانشینی فرماندهی کل قوا در میان مسئولین جمهوری اسلامی هفتی شد. خمینی در فرمان خود از رفسنجانی خواست که تشکیلات تکراری نیروهای مسلح را حذف و یا اقدام کند. چندی بعد منتظری نیز از رفسنجانی خواست که فرمان خمینی را جدی بگیرد و به جای شعار به ایجاد تشکیلات واحد نیروهای مسلح فکر کند. خامنه‌ای هفته گذشته در یک سخنرانی خود اعلام کرد که سیاست فعلی نظام و نظر رهبر انقلاب تقویت ارتش و سپاه و تجهیز نیروهای مسلح است. ارتش باید سازماندهی خود را قوی کند و سپاه نیز باید به همین ترتیب ویژگیهای خود را افزایش دهد چرا که تاریخ انقلاب لحظات حساسی را پیش رو دارد.

هفتم آبان انتخابات میان دوره‌ای مجلس برگزار می‌شود

مجلس ۲۷۵ نفری جمهوری اسلامی هم اکنون ۲۵۵ نماینده دارد و قرار است در انتخابات میان دوره‌ای که در آبان ماه برگزار می‌شود، تکلیف ۲۰ نماینده دیگر روشن شود. حوزه‌های انتخابیه که انتخابات در آنجا برگزار خواهد شد عبارتند از "درگز کردکوی، هشتر طوالش، مسجد سلیمان، کوهدشت، الیگودرز، بولین زهره، لنجان، گلپایگان، خمینی شهر، فلاورجان، بروجرد، بیجار، بندر عباس، جیرفت و کرگان".

مرحله اول و دوم انتخابات سومین دوره مجلس روزهای ۱۹ فروردین و ۱۹ اردیبهشت سال جاری برگزار شد. در فاصله دو مرحله اول و دوم انتخابات در درگیری میان وزارت کشور و شورای نگهبان، انتخابات برخی شهرها از سوی شورای نگهبان باطل شد که ادامه آن با دستور کتبی خمینی متوقف گردید.

مانور امنیتی رژیم در تهران

عملیات روز جمعه تحت عنوان "مانور گشتی مرصاد" صورت گرفت. مطبوعات دولتی نوشتند که در این عملیات "دهها اکیپ گشتی سیار با بیش از پنجاه تیم ثابت" شرکت داشتند. این نیروها به گفته مسئول عملیات روز جمعه "سطح وسیعی از شهر تهران را زیر پوشش خود بردند و ضمن ایست بازرسی و استقرار در میادین حساس شهر، یک بار دیگر قدرت انتظامی و حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی را به نمایش گذاشتند".

تهران جمعه گذشته شاهد حکومت نظامی اعلام نشده بود. در این روز، دهها اکیپ پاسدار، کمیته چپ و بسیجی مسلح در مبادی ورودی و خروجی مراکز حساس و پر جمعیت، پایگاه سیار و ثابت "ایست بازرسی" بر پا کردند و به تجسس و تفتیش مردم شهر پرداختند. تیم‌های سیار گشتی پاسداران، رهگذرانی را که اوراق شناسایی کافی همراه نداشتند، دستگیر و برای بازجویی بیشتر به اکیپ‌های ثابت که در میادین حساس قرار داشتند، انتقال دادند.

بهای نفت اوپک به کمترین سطح، طی ۲ سال اخیر رسید

عادی اوپک بود. سوپروتو در تهران با خامنه‌ای و آقازاده و در هرات با صدام حسین و "الچلبی" وزیر نفت عراق به گفتگو پرداخت. بعد از دیدار سوپروتو از عراق، خبرگزاری رویتر گزارش داد که دبیر کل اوپک نتوانسته است عراق را به توافق پیرامون نظام سهمیه بندی جدید که با افزایش سهم این کشور همراه است، متقاعد سازد. گفتگوهای تهران نیز به حل مشکلات کمک نکردند و بازگشت مجدد سوپروتو به کویت، اخبار مربوط به شکست مذاکرات تهران و بغداد را قوت بخشید. انتشار خبر عدم توافق بین ایران و عراق بر سر نظام سهمیه بندی و زحمت تصمیمات اوپک، بلافاصله قیمت‌ها را دستخوش تحول تازه کرد و زمینه را برای تکرار بحران سال ۸۶ فراهم ساخت. در سال ۸۶ قیمت نفت به شدت سقوط کرد و به کمتر از ۷ دلار رسید. به گزارش منابع اقتصادی هم اکنون اوپک ۳۰ درصد اضافه تولید دارد که در قرب برای مصرف زمستانی ذخیره می‌شود تا تقاضا در سه ماهه چهارم سال جاری میلادی که می‌تواند برای ثبات بازار موثر باشد، افزایش نیابد.

سوپروتو دبیر کل اوپک در پایان دیدار خود از کشورهای حوزه خلیج فارس، اعلام داشت که اگر بن بست مذاکرات ایران و عراق در ژنوا ادامه یابد، سقوط بهای نفت باز هم تشدید خواهد شد. به گزارش آسوشیتدپرس از لندن، چهارشنبه هفته گذشته قیمت نفت خام نوع برنت دریای شمال بشکه‌ای ۵۰ سنت تنزل کرد و به ۱۳٫۲ دلار رسید. در همین روز، در بورس نیویورک هر بشکه نفت خام تگزاس با ۵۵ سنت کاهش نسبت به هفته پیش معامله شد و بهای نفت خام دوبی که بهای پایه‌ای نفت خلیج فارس است به بشکه‌ای کمتر از ۱۲ دلار سقوط کرد و به پایین‌ترین سطح خود طی دو سال اخیر رسید.

سقوط بهای نفت اوپک، همزمان با پایان سفر دوره‌ای دبیر کل آن به کشورهای صادر کننده نفت حوزه خلیج فارس شتاب بیشتری گرفت. سوپروتو طی سفر چند روزه خود به منطقه از کویت، ایران، عراق و امارات متحده عربی دیدن کرد. هدف وی از سفر به منطقه، ایجاد هماهنگی و بررسی هر ضمه و تقاضا و تدارک زمینه توافق بین ایران و عراق پیش از برپایی اجلاس



ستاد بازسازی مناطق آسیب دیده در جنگ ایران و عراق اعلام داشت که بازسازی مناطق مسکونی، مدارس، ادارات و کارگاههای کوچک شهر آبادان ۳۰ میلیارد ریال هزینه خواهد داشت. در این شهر در طول جنگ ۵۰ هزار واحد مسکونی، آموزشی، و تاسیسات صنعتی آسیب دیده‌اند و ۶۰ هزار واحد مسکونی بر اثر گلوله باران و موشک باران از بین رفته‌اند. هزینه برآورد شده از سوی ستاد بازسازی، افزون بر هزینه‌ای است که برای احیا پالایشگاه آبادان ضروری است. هکس بالا، پالایشگاه آبادان را پیش از ویرانی نشان می‌دهد.



کنفرانس زنان اسکاندیناوی در نروژ

❖ افشاکری زنان ایرانی علیه سیاستهای زن ستیزانه جمهوری اسلامی

از تاریخ ۳۰ ژوئیه تا ۷ اوت شهر اسلو پایتخت نروژ میزبان شرکت کنندگان در کنفرانس زنان کشورهای دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند، ایسلند و گروئنلند بود. برخی از موضوعات مورد بحث در سیمینارها و جلسات دایر در این کنفرانس چنین بودند:

نقطه نظرات پیرامون صلح و امنیت، زنان و کار در جوامع اسکاندیناوی، زنان، پیشرفت و ترقی، حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان، زنان و جامعه، مسئله خانواده، نقش زنان در برنامه ریزی، مدیریت و سیاست، خسارات و ضربات روحی حاصله از فشار شرایط کار بر زنان و ...

نقش زنان مهاجر و پناهنده نیز در جریان تدارک و برپایی کنفرانس چشمگیر بود. آنها از طریق پیشبرد مباحثی پیرامون وضعیت زنان مهاجر و پناهنده در کشورهای اسکاندیناوی و سیاستهای نژادپرستانه و

راسیستی نیروهای ضد خارجی در ارتباط با زنان خارجی کوشیدند توجه زنان را به این بخش از مسائل زنان در جوامع اسکاندیناوی جلب کرده، ضرورت دفاع از حقوق ایندسته از زنان را به همزمان خویش تاکید کنند.

زنان فدایی از جمله زنان ایرانی شرکت کننده در کنفرانس بودند که همراه با دیگر زنان هموطن ما به تشکیل سیمینارهایی در باره وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی، زن و اسلام و تاثیرات جنگ وحشیانه ایران و عراق بر زندگی زنان مبادرت ورزیدند.

زنان ایرانی همچنین با برپایی نمایشگاه عکس، توزیع نوشته های افشاکرانه، برگزاری میزکتاب و نمایش فیلم از ویرانگری مادی و معنوی جنگ به دفاع از حقوق زنان میهن ما پرداختند.

در پنجمین روز از برگزاری کنفرانس، همسر سفیر جمهوری

اسلامی در نروژ، سخنگوی سفارت رژیم در نروژ و ... به محل کنفرانس آمدند. حضور آنان واکنش فوری زنان ایرانی را برانگیخت. زنان با برآه انداختن یک تظاهرات وسیع علیه رژیم خمینی خواستار بیرون راندن هوامل و جاسوسان حکومت زن ستیز فحاش شدند.

این تظاهرات با پشتیبانی جمع بزرگی از زنان سایر ملیت های شرکت کننده در کنفرانس به یک حرکت یکپارچه و پر شور قراروید.

شعارهای مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، مرگ بر خمینی، زنان ایرانی نمی خواهند برده باشند، زنده باد آزادی ... زنان حاضر در محل را تحت تاثیر قرار داد. و بسیاری با آن همراهی کردند. تظاهر کنندگان دست در دست هم، در حالیکه خشم و نفرت از هملکرد ضد مردمی رژیم حاکم بر ایران در چهره هایشان موج می زد، همراه زنان کشورهای

دیگر سرود صلح و آزادی را سر دادند:

ایمان داریم از صمیم قلب به روزی که همه در صلح و آزادی زندگی خواهیم کرد.

ایمان داریم از صمیم قلب به روزی که دست در دست هم شادمانه گام خواهیم نهاد.

ایمان داریم از صمیم قلب به روز پیروزی مان.

ایمان داریم.

بدنبال این تظاهرات مجددا خبرنگاران و روزنامه نگاران با زنان ایرانی به گفتگو نشستند و از توضیحات افشاکرانه آنها در باره زیر پا نهادن کامل حقوق زنان در ایران، سنگسار کردن زنان و شکنجه و اعدام زنان مبارز و آزادیخواه کشورمان و سایر جنایات رژیم در قبال زنان ایران گزارش تهیه کردند.

دیدار معاونین وزرای خارجه ایران و انگلیس

فرستاده ویژه دولت انگلیس به تهران، پس از ۱۵ روز اقامت در ایران و دیدار با مسئولین جمهوری اسلامی به منظور برقراری روابط مجدد دو کشور، به بریتانیا بازگشت و نتایج مذاکرات خود را به دولت تاجر تقدیم کرد. در پی بازگشت "ردوی" به لندن، تدارک ملاقات وزرای خارجه دو کشور ترتیب یافت و لاریجانی معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به دیدار "سردیوید مایزر" همتای انگلیسی خود رفت. لاریجانی در فرودگاه لندن با "مایزر" ملاقات کرد و موافقت جمهوری اسلامی را با اهرام یک دیپلمات انگلیسی به عنوان مستشار بازرگانی این کشور به تهران اعلام نمود طی ده سال این نخستین دیدار دو مقام بلند پایه ایران انگلیس بود. وظیفه مستشار انگلیسی، هماهنگی کار پنجاه کمیته بریتانیایی دعوت شده به چهاردهمین نمایشگاه بین المللی تهران است. بنا به گفته وزارت امور خارجه انگلیس، وی بعد از اتمام کار نمایشگاه نیز به منظور کمک به شرکت های انگلیسی در تهران خواهد ماند.

رادیو بی بی سی به نقل از آلن کلارک معاون وزارت بازرگانی انگلیس در مورد شتاب و هلت حضور گسترده انحصارات در تهران گفت که "پاسخ فوری ما به دعوت ایران بسیار مهم بود.

چون اگر تا تشکیل نمایشگاه بعدی منتظری می ماندیم ممکن بود از رقابتی بازرگانی خود مانند آلمان فدرال، ژاپن، کره جنوبی که در نمایشگاه حضور وسیعی خواهند داشت، عقب بمانیم."

به گزارش "یونپاپ" (خبرگزاری کره) در حال حاضر دو شرکت کره جنوبی در هفت پروژه به ارزش ۲۱۰ میلیون دلار فعالیت دارند و قرار است تا پایان شهریورماه، هیاتی متشکل از مقامات دولتی و بازرگانی این کشور، برای انعقاد قرارداد های تازه به ایران سفر کنند.

چند رویداد هنری

● "میراث" فیلمنامه ای است به قلم احمد شاملو که بر اساس بخشی از زندگی پرفراز و نشیب وی تدوین شده است. به گفته مسعود کیمیایی سازنده فیلم "سفر سنگ" و "تیغ ابریشم"، شاملو فیلمنامه را در اختیار وی گذاشته است. کیمیایی در مصاحبه با آخرین شماره مجله فیلم چاپ تهران اظهار داشت که: به طور قطع من این فیلم را که ممکن است اسمش هم عوض شود، خواهم ساخت. شاید پس از "سرب"، و شاید هم یک فیلم ساده در این فاصله بسازم - چون فیلمنامه شاملو پر هزینه است. ماجرای آن هم به رابطه خود شاملو با پدرش (که می دانید سرهنگ بوده) در دوران ماجرای فرقه دمکرات آذربایجان بر می گردد. به هر حال شاملو نماینده روشنفکران چهار دهه بوده و من

نمی خواهم شتابزده به سراغ زندگی خصوصی او بروم."

● شاملو هفته آخرماه جاری برای شرکت در یک گردهم آیی ادبی بین المللی به آلمان فدرال سفر می کند. شرکت کنندگان این گردهمایی شعرا و نویسندگان برجسته کشورهای جهان سوم هستند که از ایران نیز احمد شاملو دعوت شده است. اجتماع نمایندگان ادبیات جهان سوم در شهرهای نورنبرگ و ارلانگن آلمان فدرال برگزار خواهد شد.

● زمان بلند "رازهای سرزمین من" نوشته رضا براهنی بر اساس قرارداد دادی که بین وی و بنیاد فارابی به امضا رسیده است، در آینده نزدیک به صورت فیلم سینمایی و یا مجموعه تلویزیونی در خواهد آمد. "رازهای سرزمین من" حوادث چهار دهه اخیر ایران است که از نگاه براهنی و به قلم توانایی وی به قالب رمان عرضه شده است.

● دوستداران موسیقی اصیل ایرانی و شیفتگان فرهنگ مردمی ما، هفته گذشته در تهران شاهد هنر آفرینی سیاوش شجریان و شعرام ناظری بودند. در کنسرت موسیقی اصیل ایرانی که با همکاری مشترک شجریان و شعرام ناظری در تهران اجرا شد، جمعیت انبوهی شرکت کرده بودند. استقبال بی نظیر مردم از این کنسرت، مطبوعات و رسانه های دولتی را ناچار به بازتاب آن ساخت. این اولین بار است که بعد از ۹ سال در جمهوری اسلامی، به هنرمندان موسیقی ایرانی اجازه برگزاری کنسرت داده می شود.

کنترل میشود چونکه بیماری تیغوس شیوع پیدا کرده. با اینکه همه امکانات برای جبهه بکار می‌رود، حتی اجناس و ظرفهای آلومینیومی که می‌گویند برای ساختن وسایل جنگی بکار می‌رود کاملاً نایاب شده است. مردم می‌گویند رژیم غذای داخل کاسه‌هایمان را گرفته بود حال نوبت به کاسه‌هاینر رسیده!!

بعد از اعلام قبول قطعه‌نامه ۵۹۸ توسط رژیم، اعتراض مردم در حین شادی اوج گرفت. رژیم از جشن و شادی مردم می‌خواست جلوگیری کند ولی مردم هر کجا، در هر کوی و برزن شیرینی پخش می‌کردند و شادی می‌کردند. در شیراز (سه راه سینما سعدی) هنگام پخش شیرینی توسط مردم، پاسداران می‌خواستند از اینکار جلوگیری کنند که با مخالفت مردم روبرو شدند. آنها در میان هو و فریاد مردم مجبور به فرار شدند.

همه رژیم را زیر سؤال قرار میدهند که اگر شما می‌خواستید قطعه‌نامه را بپذیرید چرا یکسال پیش‌تر نپذیرفتید که اینهمه به کشته‌های قبلی جنگ اضافه نشود، چرا در موقع بمباران شهرها آتراً قبول نکردید، چرا وقتی همه مردم می‌گفتند صلح کنید و دیگر بس است، قبول نکردید، چرا اینهمه بی‌گناه را به کشتن دادید و حال که قدرت ادامه جنگ را ندارید، قطعه‌نامه را قبول می‌کنید. مردم به خوبی از "صلح" سلاحی ساخته و به جنگ رژیم می‌روند.

حالا همه و همه به نیرنگهای رژیم پی برده‌اند و آنها را به هر نحوی که می‌توانند مسخره می‌کنند، مثلاً روزی در خیابانی می‌رفتیم که روی کف زمین پرچم آمریکا را کشیده بودند، دو نفر که از مقابل ما می‌آمدند وقتی به پرچم آمریکا رسیدند به نحوی که همه رهگذران را متوجه خود بکنند، یکی به دیگری با صدای بلندی گفت: مواظب باش پاروی پرچم "شیطان بزرگ" نگذاری که فردا به همین خاطر اعدام میشوی مگه نمی‌بینی کم‌کم داریم دوست می‌شویم؟!!!! منظور آنها متوجه کردن مردم به رابطه رژیم و آمریکا بود. مردم تمامی سران رژیم را به باد مسخره می‌گیرند، مثلاً بعد از قدرت گرفتن رفسنجانی، همه می‌گویند هم‌امه رفسنجانی در آینده تبدیل به "تاج" خواهد شد و همه او را به عنوان مسخره "اکبر شاه" می‌نامند!

طریق مدارس بفروش میرسد به عنوان بهترین نوع کافز مصرفی میشود!

رژیم از طرفی مردم را مجبور به رهايت حجاب می‌کند و از طرفی دیگر قیمت پارچه را گران میکند، مثلاً موقه‌یکه بقول خودشان به مبارزه با بی‌حجابی (!) دامن می‌زنند، قیمت چادری و پارچه بسیار بالا می‌رود مثلاً قیمت یک متر پارچه چادری نازل حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان می‌باشد.

قیمت یک حلقه فیلم ۲۴ تایی هکس‌به ۳۰۰ الی ۳۵۰ تومان رسیده و این در حالی است که چاپ یک عدد هکس ۳۵۰ ریال هزینه دارد.

اکثر کارمندان دولت مجبورند در زیر اینهمه فشار گرانی، فیراز کار اداری خویش در ساهاتی از مواقع بیکاری و یا هنگام شب به کارهای دیگر مثل دست فروشی و غیره بپردازند.

با اینکه رژیم و ایادی رژیم همه خیابانها را اشغال کرده‌اند ولی هر کجا دو آشنایی به هم می‌رسند، بعد از احوالپرسی با هم علیه رژیم صحبت می‌کنند و بیشتر مواقع این گفته‌ها هلنی صورت میگیرد. مردم ناراضیاتی خویش را علیه رژیم به انجا مختلف نشان می‌دهند، مثلاً رهايت نکردن حجاب تحمیلی، با رفتن و شادی کردن در پارکها، رفتن به اطراف خوش منظره شهرها در روزهای تعطیل، در جشنهای خانوادگی که رژیم می‌خواهد از آنها جلوگیری کند، با خرید و فروش و دست به‌دست گرداندن نوارهای موسیقی، پوشیدن لباسهایی با رنگهای مختلف... در کمتر جمعی می‌بینی که حتماً برای مثال یک نفر به دفاع از رژیم بپردازد، همه چه آشکار چه غیر آشکار علیه رژیم می‌گویند.

زمانی که هنوز رژیم پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت را اعلام نکرده بود، من در ایران بودم، در این موقع همه مردم از جنگ بیزار بودند کسی حاضر به جبهه رفتن نبود همه جا علیه جنگ می‌گفتند.

روزی در جاده ساوه بودیم که در جلوی ماشین ما یک تریلی بدون شماره در حرکت بود که بوی عفونت از آن می‌آمد بیشتر که توجه کردیم متوجه شدیم اجساد کشته‌شدگان در جبهه را حمل می‌کند.

در جنوب کشور هر روز صبح سروموی بچه‌های دانش آموز

دو نامه زیر را دو تن از خوانندگان نشریه اکثریت پس از بازگشت از سفر خود به میسن برای ما ارسال داشته‌اند. نامه نخست مشاهدات نویسنده آن قبل و اندکی پس از پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ و نامه دوم مقطع پس از دادن رژیم به قطعه‌نامه مزبور را شامل می‌شود:

فریاد، که این پاره پاره وطن من

این گریان مردم من است

چهره افرادی که برای استقبال از مسافرین آمده‌اند، کاملاً نشانگر وضعی است که در آن به سر می‌برند و اگر چنانکه فقط تنها به قیافه آنها نگاه کنی و دوباره برگردی میتوانی در رابطه با وضع موجود در ایران کتابها بنویسی چرا که قیافه‌ها همه آشکارا وضع موجود را بیان می‌کنند!

پس از خروج از فرودگاه، در همان ساهات اولیه به گرانی، بی‌امنیتی، ناراضیاتی مردم از رژیم و جنگ، مسئله اعتیاد بیش از حد... پی می‌بری.

گرانی بیداد میکند. قدرت خرید مردم بسیار بسیار پایین آمده. اجناس مورد استفاده مردم باید بدهی شود و یا اگر خیلی زرنگ باشی و گیر بیاوری باید به چندین برابر "قیمت چندین برابر شده" بخری! اختلاف قیمت‌ها از مغازه به مغازه فرق می‌کند. میوه نیز بسیار بسیار گران است، کمتر خانواده‌ای قدرت خرید حتی یک کیلو میوه معمولی را دارد، جمع کردن میوه‌های خراب شده و یا خریدن آنها به کاری هادی تبدیل شده. آخر چگونه میتوان با این گرانی با گوشت گوسفندی کیلوئی ۳۶۰ تومان، برنج متوسط کیلوئی ۱۵۰ تا ۱۲۰ تومان، برای خرید میوه پول داشت؟

دیگر مایحتاج زندگی هم جای خود دارد. مثلاً به هلت گرانی و یا نبود مایع ظرفشویی، برخی از خانواده‌ها خودشان در خانه از پوست پرتقال و یا میوه‌های دیگر مایع ظرفشویی درست می‌کنند! پیدا کردن مایع ظرفشویی یک طرف مشکل، پرداخت مبلغی برای ظرف پلاستیکی آن مشکل دیگر، ظرف پلاستیکی مایع ظرفشویی حدود ۱۵۰ ریال خرید و فروش میشود. قیمت مواد پلاستیکی بسیار گران شده است مثلاً یک ظرف آشغالی پلاستیکی حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ تومان به فروش میرسد!

لوازم التحریر اغلب از وسایلی است که به ندرت بدست می‌آوری! کاغذهای چرک‌نویس که بصورت بسیار محدود توسط رژیم از

در همان لحظه ورود به محوطه‌ای از فرودگاه که مسافرین ایران قرار داشتند، میشد حال و هوای ایران را احساس کرد. اکثر خانمهایی که روسری نداشتند با ورودشان به جمعی که هازم ایران بود، مجبور بودند روسری ببندند چونکه از حضور "برادران" جاسوس جمهوری اسلامی اطلاع داشتند. رفتار این "برادران" در داخل هواپیما نمایانگر ماموریت جاسوسی آنها در هواپیما نیز بود چرا که سعی می‌کردند حتی به صصتهای خصوصی مسافرین هم گوش دهند. بعد از ساهتا رسیدن به تهران اعلام شد و سلام و صلوات آن "برادران" که دیگر ماموریشان پایان یافته بود، بهوا برخاست و هواپیما در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست.

در فرودگاه مهرآباد بلافاصله، صفهای طولی برای کنترل مسافرین و وسایل همراه آنان تشکیل می‌شود. آن "برادران" بدون بازرسی بدنی و بازدید وسایل و با ایستادن در صفهای طولی از کنترل می‌گذرند. در فرودگاه مهرآباد نه از هفت خان بلکه باید از هفتادخان گذشت. پاسپورت مسافرین تازه وارد چندین جای مختلف مورد کنترل قرار می‌گیرد، کنترل هکس پاسپورت، همراهان مسافر، تطابق دادن اسامی صاحبان پاسپورت با لیستی که مشهور به لیست "منوع‌الورودها" است، هر کدام صفی طولی را تشکیل میدهند. و بعد یک صف دیگر در جلوی مکان شیشه‌ای کیوسک مانندی که افراد داخل آن به هیچوجه دیده نمی‌شوند ولی آنها مسافرا را به خوبی برانداز می‌کنند. باید پاسپورت را به آنجا تحویل داده و مدتی در مقابل آن کیوسک ایستاد و منتظر جواب بود، اگر از این محل هم رهایی یافتی به محلی می‌رسی که دوباره اسامی را کنترل می‌کنند تازه بعد از اینهمه صفهای طولی، گشتن وسایل مسافرین تازه وارد شروع میشود.

گزارشی از سفر به ایران

به فرودگاه مهرآباد رسیدیم. عده‌ای از حزب الهی‌ها و نورچشمی‌ها که با ما همسفر بودند بیشترین وسایل را با خود داشتند و وسائل صوتی، جاروبرقی، تلویزیون، رادیو ضبط لباس و... برادرهای حزب الهی که به استقبال آنها آمده بودند تا سالن ورود داخل شده بودند و برای آنها مقررات عمل نمی‌کرد. صفاها شروع شد، صف مهر ورود - صف ثبت ارز - صف بازرسی و تفتیش کمیته - صف بازرسی چمدانها و آخرین صف، صف چک کلی، ۴ ساعت پرواز داشتیم ولی بیشتر از ۴ ساعت در فرودگاه مهرآباد مشغول گذشتن از هفت خوان بودیم. رفتار کمیته‌چی‌ها و مسئولان حزب الهی فرودگاه طوری بود که من فکر کردم وارد یک کشور خارجی شده‌ام. بالاخره توانستیم فرودگاه را ترک کنیم.

وقتی فردای آنروز وارد شهر شدم شاهد متلک‌های مختلف مردم در مورد پیام خمینی بمناسبت قبول قطعنامه بودم: وقتی با تاکسی از خیابان جمهوری می‌گذشتم سرخیابان آذربایجان، حجله جوانی دیده میشد، خانمی که در تاکسی بود گفت خدا ذلیلت کند، کاش ۵ سال پیش زهر را می‌نوشیدی تا جوانانمان از بین نمی‌رفتند. شب که با یکی از دوستان به نمایشگاه اتومبیلی رفته بودم آقای می‌گفت مگر این یارو آبرو داشت که گفت آن را با خدا معامله کردم، کس دیگری جواب دادنه آقا خودی تاکید کرد اگر آبرویی داشتم آن را با خدا معامله می‌کردم ولی خوب ما که می‌دانیم نداشت. سربازی که تازه از جبهه فرار کرده بود را دیدم و مشغول صحبت با وی شدم بینم رژیم چرا مجبور به صلح شد؟ وی جواب داد لشکر ۲۱ حمزه منحل شده است. یا فرار کرده‌اند و یا اسیر شده‌اند. الان پاسداران می‌گویند لشکر ۲۱ خائن حمزه از لشکر ۷۷ خراسان فقط بهداری باقی مانده و متلاشی شده، ۹۲ زرهی اهواز هم سرنوشت مشابهی داشت تیپ ۴۹ سراب هم که بیشتر

به اسارت گرفته شده و یا فراری هستند و یا کشته شده‌اند. خلاصه ارتش دیگر ارتش سابق نیست وی ادامه داد ما زهر را به وی دادیم تا بنوشد و آن هم به زور و گرنه برای وی فراموشی شیرینی کشتار جوانان مشکل بود. مردم کاملاً به پیروزی خود واقف بودند. بله مردم پیروز شده بودند. خمینی عقب‌نشینی کرده بود.

مردم هم به ضعف رژیم پی برده‌اند، رژیم نمی‌خواهد با مردم درگیر شود، عروسی‌های پرسروصدا گرفته میشود در شمال کشور مثلاً در سواحل مردم رقص و آواز براه می‌اندازند و رژیم از ترس درگیری با مردم و تبدیل شدن پتانسیل ۸ ساله مردم به انرژی جنبشی نمی‌خواهد وارد معرکه شود. حجاب آنطور که رژیم می‌خواهد از طرف زنان رعایت نمیشود. به اداره مخابرات رفته‌ام، دوباره متلک‌ها شروع شدند آقای می‌خواهد به اصفهان زنگ بزند، پسر جوانی از وی می‌پرسد آقا درست است که در اصفهان در گورستانها سرشدها کلاه گذاشته‌اند؟ وی خنده‌کنان جواب میدهد ما آنها را با کلاه دفن کرده‌ایم، آقای با روزنامه کیهان وارد میشود، دوستم می‌پرسد آقا کیهان امروز است وی جواب داد بله چطور مگه؟ آخر می‌گویند خمینی گفتند به ملت مسافرت یک مملکت کلنگی بفروش میرسد، منظور وی هجوم هیئت‌های اقتصادی کشورهای غربی بود.

پست‌های بازرسی به خاطر کنترل اوضاع و سربازگیری برقرار است، هنوز رژیم دست از سر مردم برنداشته و حتی رزم‌جو اعلام میکند، فراریان و مشمولین قایب فکر بخشش را از سر خود بیرون بریزند، زهی خیال باطل. در همه جا صحبت از بالا و پایین شدن دلار و طلا است. چرا که با زندگی مردم رابطه مستقیم دارد، در بازار قدم می‌زدیم، بارچه فروشی میگفت یک بازاری گردن کلفت گفته جنگ را دو ماه ادامه دهید، من خرج آن را می‌پردازم. بعد از آتش بس ثروت او نصف شده و

ثروتش بی‌حد و حساب است. این ثروتمند را از کجا به جیب زده‌اند، مشخص است از مردم، دوستش گفت بابا خود همین حکومتی‌ها چه‌ما که نکردند. فردی که در سازمان گوشت کشور کار می‌کند، میگوید همین ۲ ماه پیش یک حواله دیدم که با آن ۷۰ تن گوشت ۲۵ کیلوئی به اسم صلبی نماینده خمینی در مشهد صادر شده بود. یک آقای دیگر گفت بابا حتماً مریش داره برای منزل خودشان و مصرف خانه آن را برده، و همه خندیدند، یک نفر دیگر گفت مگر نشینده‌اید که پسر ملکوتی را با مواد مخدر (هروئین) دستگیر کرده‌اند و پدر وی گفته است که آن آرد بود. و به خانه می‌برده تا مادرش نان درست کند. فردی که اطلاعات جالبی از بازار داشت گفت شرکت چاپور واقع در چهارراه گل‌بندک - پاساژ شیرزاد را می‌شناسید آنها فقط در یک معامله حدود ۱۵۰ میلیون تومان دلالی به وزیر کشور سابق ناطق‌نوری داده‌اند.

خانمی که مشغول خرید بود صحبت‌ها را شنید عکس پسرش را که در زمان آزاد سازی خرمشهر کشته شده بود و جمعی لشکر ۲۱ حمزه بودند نشان داد و فریاد کشیده حرمت این خونها آنها ثروت ملت را با تجیعتترین وضعی پس خواهند داد.

سطح بهداشت بی‌اندازه پایین آمده، "شبه‌وبا" در کشور شایع شده است. فروش سبزی خوردن ممنوع شده است چرا که آب فاضلاب روی سبزی‌های شهری باز شده است در بندر عباس چشم ۸۰٪ مردم ناراحت شده و حتی گفته میشود برخی از مردم نمیتوانند چشم خود را باز کنند، آبهای معدنی سرزمین که منبع میکروب است تعطیل شده است.

خلاصه مردم می‌گویند این جمهوری همه نوع مرگ و بیماری سراغ ما آورده فقط در بیمارستان هزار تخت خوابی بیش از ۳۰۰ نفر بخاطر "شبه‌وبا" در قرنطینه بسر می‌برند.

در مورد وضعیت تحصیل و علم در ایران فکر میکنم ۲ نمونه اگر بگویم کافی باشد، یک معلم معروف فیزیک تهران را در مقارنهای دیدم سراغ وی رفتم. گفتم سلام حال شما خوب است شما کجا، اینجا کجا وی گفت پسرم بعد از مدت‌ها دیدم با تدریس زندگی نمی‌گذرد و به کاسبی رو آورده‌ام، سرم سوت کشید وی با این همه تجربه و تحصیل آدامس می‌فروشد و

نمونه دیگر اینکه، رتبه‌های کنکور قیمت دارند پزشکی می‌خواهی ۷۰۰۰۰۰ تومان پزشکی تهران همه چیز به همدما، آنها برادران حزب الهی، شورای انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و سنجش هستند باندی تکمیل برای چاپیدن مشتاقان تحصیل.

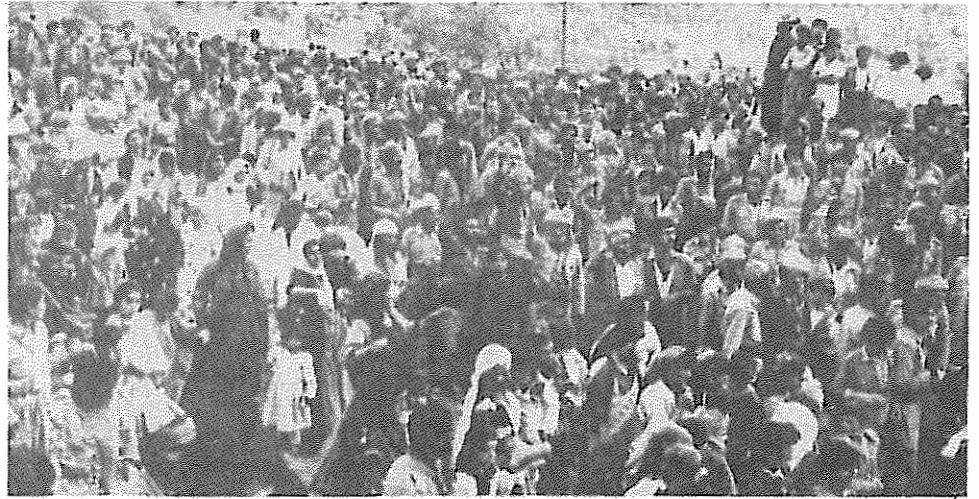
در مورد دانشگاه آزاد هم وضعیت آن روشن است کارت دانشجویی دانشگاه آزاد در بازار آزاد بفروش میرسد و مشمولین نیز خریدار آنند. به این وسیله آنها میتوانند جوابگوی دژبان باشند.

برایان از میدان انقلاب بگویم میدان انقلاب را میتوان با خیابان سیمتری و یا جمشید سابق مقایسه کرد به محض ورود به میدان همه جا شنیده می‌شود کوپن اعلام شده و اعلام نشده خریداریم. اکثر کارگران فصلی ساختمان هستند، مواد مخدر به وفور پیدا میشود هروئین بسته‌ای ۵۰ تومان و سیگار تیر ۶۰ تومان ارز انتراز سیگار هروئین یافت می‌شود. دلار، سکه و حتی آدم در میدان انقلاب بفروش میرسد، با چشم خود شاهد معامله دو نفر بودم مورد معامله یک دختر جوان بود. سینماهای میدان انقلاب محل تبادل مواد مخدر است. فساد به‌اعتراف خود مسئولان رژیم به اوج خود رسیده است، مسئول کمیته شهر ری در مصاحبه خود اعلام کرد خیابان جمشید که دوباره در آن اماکن فساد شروع به کار کرده بودند تعطیل شده و بیش از ۸۰۰ نفر بدکاره و معتاد و فروشنده مواد مخدر در اولین مرحله عملیات جمع‌آوری شدند.

در تلویزیون جمهوری اسلامی مصاحبه‌ای بود با یک دانشجوی دانشگاه همدان در مورد کمبود کتاب‌های علمی در کتابخانه‌های همدان. وی می‌گفت ما ۸۰٪ کتابهای مورد احتیاج خود را در کتابخانه‌ها پیدا نمی‌کنیم ولی اگر بخواهیم مواد مخدر پیدا کنیم در عرض ۵ دقیقه می‌توانیم از میدان شهر آن را تهیه کنیم.

اهزام کارگران و دانشجویان به جبهه هنوز ادامه دارد، هلیرفم اعلام قبول قطعنامه هنوز طرح مرحله سوم اهزام دانشجویان به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود در مورد کارگران مثلاً به کارخانه کفش ملی بخشنامه شده باید از هر واحد بنا به تعداد افراد، عده‌ای اهزام شوند. به دنبال آن بسیاری از کارگران سرکارهای خود حاضر نشدند.

کردستان تداوم قتل عام یک خلق



آوارگان کرد در ترکیه : از جهنم به جهنم

بقیه از صفحه اول

سرکوب تمام هیار خلق کرد را جامه عمل ببوشانند، نیازی به امضای موافقتنامه سه جانبه عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه در سرکوب خلق کرد نمی بینند، چه مصالح و منافع مشترکشان در سرکوب خلق کرد، یگانگی و هماهنگی شان را تامین می کنند. از این گذشته، طرح شیطان‌ی ایجاد مناطق مرده و خالی از سکنه در نوار مرزی سه کشور، طرح تازه کشف شده‌ای نیست. اینک بر اساس این قرارداد نائنوشته می‌کوشند تا کردستان را در قطعات محاصره شده، مهار کنند.

... کردستان را محاصره کرده‌اند، از همه سو. برای انجام این جنایت هولناک، سلاحهای سنگین را بکار گرفته‌اند، از همه نوع توپها و تانکها را پیش از آنکه دهانه لوله‌هایشان در اثر آتش بس خنک شده باشد، از فرسنگها فرسنگ راه به کردستان آورده‌اند. هلی‌کوپترهای توپدار و دسته دسته جنگنده‌ها در آسمان جولان می‌دهند و بر سر اهالی بی‌دفاع آتش می‌بارند. بمبهای مرگ آفرین، گلوله‌های آتش‌زاه، گازهای سمی و از جمله گاز خردل و بمبهای شیمیایی، دهها هزار سرباز را به منطقه گسیل داشته‌اند، حتی گارد ریاست جمهوری عراق را. اینان به روستاهای کردنشین یورش می‌برند. زن و مرد، پیر و کودک، از نظر جانباختن تفاوتی نمی‌کند. هریک دشمن تلقی می‌شوند و از اینرو هدف، صدها روستا تنه‌اظر ف

همین چند هفته با خاک یکسان شده‌اند. ابتدا سربازان با استفاده از سلاحهای سنگین و بمبهای شیمیایی، آبادی‌های کردنشین - که هرگز آباد نبوده‌اند - را از زندگی "پاک" می‌کنند و آنگاه نوبت بولدوزرهای رسد تا خانه‌های گلی را زیر انبوه خاک مدفون کنند. گرد و خاک و بوی خون چون ابری فلیظ به هوا برخاسته است، روستاها از سکنه تهی می‌شوند، یا قتل‌عام می‌شوند و یا زیر آتش حملات سبانه آواره می‌شوند. آنان که مرگ فافلگیرشان نکرده است، هست و نیست شان را بچه کرده‌اند و ره توشه برگرفته‌اند و به راه افتاده‌اند. ده کیلومتر، صد کیلومتر و گاه چند صد کیلومتر. از شمار آوارگان در طول راه مدام کاسته می‌شود. خستگی، گرسنگی و بیماری در بین شان بیداد میکند. هواپیماهای عراقی حتی آوارگان را از قلم نیانداخته‌اند، در طول هفته گذشته، بارها و بارها به موج انسانهای بی‌خانمان در طول راه حمله کرده‌اند. حتی مرز ترکیه، انتهای خط نیست، چراکه عراق بر اثر قرارداد چندی پیش با ترکیه اجازه دارد، در آنسوی مرز ترکیه، کردها را قتل‌عام کند و ترکیه که اینک بنا به گزارش سازمان حقوق بشر بیش از ۱۵۷ هزار کرد عراقی را اسکان داده - آنها را محاصره نظامی کرده است، خود دشمن دیرینه کردها است.

پیش از این گفته شد که پذیرش آتش‌بس از سوی دو رژیم جمهوری اسلامی و عراق به معنای آتش‌بس در کردستان نبود، بلکه هردو رژیم عراق و جمهوری اسلامی از

نراستی که به جنگ آورده‌اند، بهره گرفتند تا جنگ را علیه کردستان پیش ببرند. ارتش عراق در جریان حملات وحشیانه چند هفته اخیر خود، موفق شده است نوار مرزی شمال کشور خود را با کشور ترکیه به کنترل خود در آورد، از اینرو راه خروج کردهای عراق را مسدود کرده است. جمهوری اسلامی نیز با استقرار نیروی عظیم نظامی در مرز خود با عراق ارتباط کردهای ایران با عراق را قطع کرده است. سازمان حقوق بشر بین‌المللی در گزارش خود اعلام کرده است که در جریان حملات اخیر عراق به کردستان دهها هزار نفر کشته شده‌اند. عراق با استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه مردم بی‌دفاع کردستان نفرت و انزجار جهانیان را برانگیخته است. بدنبال بمباران شیمیایی حلبچه که منجر به کشته شدن ۵ هزار تن گردید، اینک عراق روستاهای منطقه زاخو، واهوک، اربیل و موصل را هدف وحشیانه‌ترین حملات خود قرار داده است. صدام حسین رئیس جمهور عراق هفته گذشته اعلام کرد که ارتش عراق کار کردستان را یکسره خواهد کرد. این در حالی است که بنا به اخباری که در شماره گذشته نشریه اکثریت بازتاب یافت، جمهوری اسلامی نیز مقدمات سرکوب تمام هیار کردها را فراهم می‌بیند. واقعیتی است که هر دو رژیم جمهوری اسلامی و عراق در پی پذیرش آتش‌بس به حفظ و ثبات سیاسی خود می‌اندیشند و کردستان با تاریخ پر قهرمانی و دلوری خود، با مقاومت

تحسین برانگیزش، همواره خطر جدی محسوب شده است. سازمان حقوق بشر بین‌الملل ضمن محکوم کردن جنایت بزرگ رژیم عراق که با همدستی جمهوری اسلامی صورت گرفته است از سازمان ملل متحد و شورای امنیت درخواست کرد که جلوی این طرح جنایتکارانه "محو کردستان" را بگیرند. نمایندگان سازمان ملل متحد و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای اثبات استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی علیه کردها، به ایران و ترکیه سفر کرده‌اند. رژیم عراق رسماً خلق کرد را "خائن" می‌نامد، خبرگزاری رسمی عراق "ای.ان.آ." هفته گذشته اعلام کرد که کردهای عراقی در جنگ هشت ساله عراق و ایران، علیه عراق مبارزه کرده‌اند و "خائن" هستند.

عراق همچنین در هفته گذشته، اعلام کرد که به کردها محلت می‌دهد ظرف ۳۰ روز خود را به رژیم مهرنی کرده و "آمان نامه" بگیرند. دولت عراق، البته زمان آغاز این محلت را اعلام نکرد و محل اسکان کردهای آواره را مشخص ننمود. استراتژی دولت عراق بنا به گزارش سازمانهای مبارز کردستان عراق این است که در نوار مرزی خود با ترکیه و جمهوری اسلامی منطقه مرده خالی از سکنه ایجاد کرده و کردها را در مناطق جنوبی کشور پراکنده سازد. همان گونه که در هفته گذشته نیز اعلام گردید، جمهوری اسلامی نیز بسان همتای جنایتکارش، به کردها هشدار داده است تا خود را به رژیم مهرنی کنند و "آمان نامه" بگیرند.

گرچه برخی از سازمانهای بین‌المللی اقدام عراق مبنی بر ارائه یک محلت ۳۰ روزه را، "اقدامی مثبت" ارزیابی کرده‌اند، و لیکن این بهمنای تسلیم کردستان به نیروهای ضد خلقی است. کردستان برای آوارگی جغرافیائی و "آمان نامه" نمی‌جنگد، کردستان برای حقوق حقه خود پیکار می‌کند. جنگ در کردستان ادامه دارد، باید کوشید تا با جلب نفرت و انزجار جهانیان، از این همه آدم‌کشی، با تلاش امریمنانه دو رژیم عراق و جمهوری اسلامی مقابله کرد و از چهره گردستیز دولت ترکیه نقاب "انساندوستی" را برگرفت. سرکوب کردستان، سرکوب آزادی است!

در روز پنجشنبه (یکم سپتامبر) آنکارا پذیرفت که آوارگان کرد از کشور همسایه در ترکیه پناه گیرند و در رابطه با آنها یک برنامه کمک رسانی فوری اجرا شود. نخست وزیر اوزال از این فرصت استفاده کرد تا از "موضع انساندوستانه سنتی" دولت ترکیه دم زند.

در روزهای گذشته عده کثیری از اهالی کردستان عراق وارد ترکیه شده و در منطقه ای مرزی در جوار شهر کورج پناه گرفته اند. تعداد آنها تاکنون (۳ سپتامبر) بین ۲۵۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ نفر برآورد می شود. مقامات آنکارا ابتدا مانع ورود این پناهجویان به ترکیه شده بودند. یک "مقام عالی رتبه وزارت خارجه ترکیه" به خبرگزاری نیمه رسمی آنا تولی گفته بود دولت ترکیه در حال اتخاذ تدابیری است تا جلوی عبور پناهجویان کرد از مرزهای جنوب شرقی کشور را بگیرد. وی افزوده بود مرز ترکیه و عراق رسماً بسته نیست اما ترکیه "ناگزیر است که به فکر امنیت خود باشد".

فرار هزاران نفر کرد عراقی به دنبال هجوم بزرگ دولت بغداد به منطقه شمالی عراق که در آن حدود ۲/۵ میلیون کرد زندگی می کنند صورت گرفته است. کردهای عراق ۴۰ سال است که برای تشکیل یک دولت کردی مستقل مبارزه می کنند. حدوداً ۶۰ هزار سرباز حکومتی به همراه تانک، توپخانه سنگین، بمب افکن، و هلی کوپتر در تهاجم به منطقه کوهستانی و صعب العبور کردستان عراق شرکت جسته اند. مساحت منطقه مورد حمله قریب به ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. دولت عراق از سال ۱۹۸۳ تا کنون در حمله به کردستان بطور مداوم از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است. در روزهای گذشته بر اثر استفاده از این نوع سلاحها ۵۰۰ نفر کشته و حدود ۳۰۰۰ نفر زخمی شده اند. اوزال از "انساندوستی سنتی" دولت ترکیه دم زده است و البته این چیزی است که در جنوب شرقی ترکیه جایی که در آن چند میلیون کرد زندگی می کنند اثری

اینجکه که در زیر می خوانید ترجمه مقاله کوتاهی است از روزنامه "آوارهای" (حقیقت) ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی در مورد وضعیت کردستان عراق، ایران و ترکیه. این مقاله در شماره ۳ و ۳ سپتامبر این روزنامه به چاپ رسیده و از این نظر که در زیر می خوانید نوشته شده، ارقامی که در آن در مورد کردهای عراقی که در ترکیه پناه گرفته اند، ارائه شده دقیق نیست. در هفته گذشته سازمان عفو بین الملل تعداد پناهجویان کرد عراقی در ترکیه را حداقل ۱۵۷۰۰۰ نفر اعلام کرد.

جنگ علیه کردستان

ترتیب ۵۰۰۰۰ نفر به مناطق دیگری کوچ داده شوند.

در کردستان عراق وضعیت از این هم وخیمتر است. دولت بغداد نیم میلیون نفر را به اجبار به منطقه کویری جنوب این کشور و یا اردوگاههای ویژه کوچ داده است. از سال ۱۹۸۵ تاکنون ۳۰۰۰ روستا در کردستان عراق تخریب شده است. از نیمه مارس که در آن شهر حلبچه مورد حمله شیمیایی قرار گرفت و بر اثر این حمله ۵۰۰۰ نفر کشته شدند، مدام خبرهای بیشتری در مورد کاربست سلاحهای شیمیایی در کردستان عراق انتشار می یابد.

هجوم وسیع دولت عراق به منطقه کردستان این کشور، به دنبال آتش بس در جنگ ایران و عراق آغاز شد. بغداد با این بهانه دست به این حمله زده است نیروهای کرد از دولت ایران کمک دریافت می کنند. و این در حالی است که جمهوری اسلامی نه از رزمندگان کرد در کردستان عراق بلکه از "رزمندگان مسلمان عراقی" سخن می گوید. کمال خرازی مسئول امور تبلیغات جنگ در جمهوری اسلامی در مصاحبه ای تاکید کرده است که پشتیبانی تهران از مبارزات کردهای عراقی علیه دولت بغداد به این معنی نیست که حکومت متبوع وی "یک دولت خودمختار کردی را تحمل خواهد کرد". پاسداران جمهوری اسلامی تنها در سال ۱۹۸۱،

نمی توان یافت. در ترکیه نیز کردها یک جنبش مقاومت را پیش می برند. بنابر خبری که در روز پنجشنبه یکم سپتامبر انتشار یافت دو سرباز ترکیه در هنگام یورش به رزمندگان کرد در این کشور، به هلاکت رسیدند. آنکارا منکر وجود خلقی به نام خلق کرد و نیز یک فرهنگ کردی است. دولت ترکیه از خلق کرد تحت عنوان "ترکهای کوهی" نام می برد. دولت در چهار پنجم روستاهای این "ترکهای کوهی" نامهای کردی را به نامهای ترکی تبدیل کرده است. دولت آنکارا برای سرکوب رزمندگان مسلح کرد، ۵۰۰۰ نفر نیروی متخصص ضد چریک به منطقه فرستاده است. وظیفه این نیروهای متخصص پشتیبانی از واحدهای منظم پلیس و "نیروهای امنیت داخلی" است. در ضمن دولت ترکیه نیرویی به نام "پاسداران روستاها" نیز اعزام کرده که شامل ۱۱۰۰۰ نفر می شوند که به زور مسلح شده اند این امر نیز به منطقه یک حالت جنگی تر داده است.

یکی از جلوه های سرکوبگری دولت ترکیه در قبال خلق کرد تخلیه اجباری روستاهای کردنشین در این کشور است. ارتش برای این که مانع بازگشت اهالی شود، روستاهای تخلیه شده را با خاک یکسان می کند. طبق برنامه ریزی آنکارا می بایست بدین

۱۰۰۰۰ کرد را در ایران کشتند. در همین اواخر جمهوری اسلامی دست به عملیاتی در کردستان ایران زد که تا تاریخ ۸ اوت ادامه داشت.

در منطقه حول تلاقی گاه مرزهای ایران و عراق و ترکیه بیش از ۱۵ میلیون نفر کرد زندگی می کنند. خلق کرد چند دهه است که در مرز سه کشور در حال مبارزه برای حق خودمختاری است.

در این اواخر چشم انداز روشنتری در جنبش خلق کرد برای قلبه بر تفرقه و چندپارچگی پدیدار شده است. در تاریخ ۲ مارس امسال ۶ حزب مهم در عراق، در جبهه کردستان عراق متحد شدند. حزب کمونیست عراق، حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه میهنی کردستان از جمله احزاب تشکیل دهنده این جبهه اند.

این جبهه دارای یک فرماندهی نظامی و یک رهبری سیاسی مشترک خواهد بود.

۸ سازمان در کردستان ترکیه در تاریخ ۲۲ ژوئن جبهه ای را با نام "توگر" (TEVGER) تشکیل دادند. جبهه هدف خود را پایان دادن به اشغال کردستان و تشکیل یک دولت مستقل و دموکراتیک در کردستان قرار داده است. "توگر" با "حزب کارگران کردستان" (PKK) اختلاف نظر دارد اما مخالف همکاری با این حزب نیست. پیش از این سازمان های تشکیل دهنده جبهه و "حزب کارگران کردستان" موضع خصمانه ای نسبت به یکدیگر داشتند.

حزب PUK در عراق و PKK ترکیه در اول ماه مه امسال به توافق نامهای بین خود رسیدند و به زبان مشترکی دست یافتند.

در ایران هر چند که دیگر بین گروه های اپوزیسیون درگیری مسلحانه صورت نمی گیرد، اما هنوز از همکاری بین آنها خبری نیست. در مهمترین سازمان کرد در این کشور در این اواخر یک انشعاب صورت گرفت.

پیروز باد مبارزات خلق کرد در راه خودمختاری!

چگونه می توان مدعی نقش پیشاهنگ بود؟

بنیانگذاران مارکسیسم در "مانیفست حزب کمونیست"، در آن هنگامی که جنبش کمونیستی هنوز جنبشی به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک نارس بود، نقش پیشاهنگی کمونیستها را به شکلی موجز و فشرده، اینچنین بیان کردند: "کمونیستها در هر صحنه عمل قاطع ترین بخش احزاب کارگری تمام کشورها هستند که احزاب کارگری دیگر را به پیشروی برمی انگیزند و در هر صحنه تئوریک برتری آنان بر بقیه پرولتاریا در آن است که شرایط و چگونگی سیر جنبش پرولتاری و پی آمدهای کلی آن را به روشنی درمی یابند." اکنون از زمان انتشار مانیفست ۱۴۰ سال گذشته است. بسیاری از وظایف جنبش انقلابی و شرایط مبارزه، دستخوش دگرگونی شده اند. این دگرگونی ها چه تاثیری بر روی نقش عملی کمونیستها به جا می نهد؟ آیا کمونیستها هنوز پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان هستند؟ محمد حرمی دبیر کل حزب کمونیست تونس و یان اشیپلمن دبیر کل حزب کار سونیس، که حوزه هملشان دو بخش متفاوت جهان است، در پراگ، مقرر تحریریه نشریه "صلح و سوسیالیسم" در مورد این مسائل به بحث نهشته اند.

این بحث، با این مقدمه در شماره ۸ نشریه "صلح و سوسیالیسم" (به تاریخ اوت ۱۹۸۸) به چاپ رسیده است. در زیر ترجمه این بحث - با اندکی اختصار - از نظر خوانندگان می گذرد. نشریه "اکثریت" با درج این قبیل مباحث، می گوشت حتی المقدور، تازه ترین مباحث مطروحه در جنبش جهانی کمونیستی را بازتاب دهد. طبیعتاً در مورد هر یک از مسائلی که امروزه در سطح جنبش مطرحند، نظریات متنوعی وجود دارد و هدف ما نیز اساساً بازتاب دادن این تنوع نظری است.

حرمی: قبل از این که وارد صحبت شویم، مایلیم دو تذکر بدیم. نخست این که کشورهایی که شرایط کاملاً متفاوتی دارند، خوانندگان نباید گمان کنند که تونس، یک نوع سونیس هری است. دوم این که ما محقق نیستیم در مورد کارکرد احزاب برادر و یا کل جنبش کمونیستی، قضاوت کنیم. من در این بحث تنها می توانم به تجربه حزب خودمان، به برآوردها و تحلیلهایمان از روندهایی که با آنها مواجه بوده ایم و به عبارت دیگر به تجربه مبارزاتی کمونیستهای تونس، متکی باشم.

اشپلمن: من هم کاملاً با نظر تو موافقم. مبارزه زحمتکشان و دیگر نیروهای ترقی خواه در سونیس را به سختی می توان با مبارزه در تونس مقایسه کرد. اما به دلیل همین شرایط متفاوتی که توا آن سخن گفتی، ممکن است به مساله مورد گفتگو، که در تمام جنبش کمونیستی مورد بحث و بررسی است، از زوایای متفاوتی برخورد کنیم. در بررسی این مسائل هزیمتگاه من نیز اساساً تجربه حزب خودمان است.

آیا کمونیستها هنوز نقش پیشاهنگ را ایفا می کنند؟

به لحاظ تئوریک، از دیدگاه چشم انداز عمومی پیشرفت اجتماعی، آن دیدگاهی که ما ارائه می دهیم، می توانم بگویم: آری. اما در همین حال معتقدم که در تحلیل واقعیت ها می باید عقب ماندگی هایمان را بر طرف کنیم. این عقب ماندگی ها کم نیستند و به خاطر آنهاست که ما در کار عملی با مشکلات زیادی مواجه می شویم.

به عنوان مثال حزب ما مدت های طولانی تنها به مبارزه برای نیازهای مادی زحمتکشان پرداخت و به پدیده های تازه، که محصول تحولات تازه اجتماعی هستند، توجه لازم را نکرد. مواضع کهنه شده، یکی از دلایل همدانست محسوس نفوذ حزب ما بوده است. اما وقتی که ما با نمایندگان از دیگر نیروها، سوسیال دموکراتها، سبزها و یا طرفداران صلح - البته بگذریم از سیاستمداران بورژوازی - بحث می کنیم، درمی یابیم که تئوری مارکسیستی - لنینیستی یاور ماست برای این که پاسخ سئوالات پیچیده را بیابیم. کمونیستها که بر چنین تئوری ای متکی اند، باید که نقش پیشاهنگ را ایفا کنند. البته در جریان عمل معلوم می شود که تاچه حد از پس این کار بر می آیند. لازم به ذکر است که در دوره اخیر مواضع برخی از احزاب کمونیست تضعیف شد، از جمله نفوذ آنان در انتخابات کاهش یافت.

حرمی: در آن زمان که مارکس و انگلس یک انقلاب واقعی در عرصه تئوری به وجود آوردند. با آن تاثیراتی که بر روی عمل سیاسی به جا نهاد - در جنبش کارگری آلمان و نیز در سطح بین المللی پیروانشان در اقلیت بودند. امروز نیز احزاب کمونیست در مجموعه ای از کشورها پشتیبانی اکثریت را با خود ندارند. اما آنها بعضاً تاثیر عظیمی بر سیر رویدادها به جا می نهند. این نظر، که بسیاری از احزاب به این درک نرسیده اند که خود را با واقعیت های تازه تطبیق دهند، باید از زوایای مختلف بررسی شود. بعضی احزاب به این درک رسیده اند، بعضی نه، در زمان معینی آری و در زمان دیگری خیر، بویژه سالهای اخیر، از این زاویه برای تعدادی از احزاب با پیچیدگی همراه بود. هلی ریم نوسانات، هلی ریم عقب افتادن ها و هلی ریم خطاهای بعضاً حتی عظیم، جنبش جهانی کمونیستی و کارگری توانست همچون گذشته در مبارزات سیاسی جهان امروزین، نقش مهمی را ایفا کند. هر حزبی در قبال مردم کشور خودش مسئول است. بنابراین هر حزبی خود باید همل ضعف ها و خطاهای خود را تحلیل کند.

اشپلمن: مایلیم آنچه را که گفتم، بیشتر باز کنم. بی گمان کمونیستها پیشاهنگ ایدئولوژیک - تئوریک جنبش کارگری اند، اما آنها داشتن یک برنامه هملی کفایت نمی کند. باید مدام اصول را با پراتیک، با تحولات جامعه،

همخوان کرد. بد نظر من، سختی کار در همینجاست.

حرمی: عکس این موضوع هم صادق است: کمونیستها در بعضی از کشورها مدام رزمیده و خود را با شرایط مشخص انطباق داده اند. بعد پی برده اند باید که ضعف های آشکارشان را در عرصه تئوری پیدا کنند. به عنوان مثال به نظر من در تحلیل هملی و مارکسیستی واقعیت های تازه در جهان سوم، ما آشکارا دچار یک ضعف تئوریکیم.

وقتی که من از ضعف تئوریک حرف می زنم، منظورم ناتوانی در ارائه یک برنامه هملی است. همان چیزی که تو بدان اشاره داشتی. مارکسیسم دگم نیست، مارکسیسم مجموعه های از نسخه های تئوریک یکبار برای همیشه تجویز شده نیست. مارکسیسم راهنمای همل است. باید آن را فهمید، آن را در شرایط مشخص و با توجه به خود ویژگی های هر کشور به کار بست و آن را بر مبنای همین خود ویژگی ها تکامل بخشید.

من با آنچه که تو در زمینه پیوند تئوری و پراتیک گفتی، موافقم. آنها بر روی هم تاثیر می نهند. همل صرفاً پراگماتیک، تئوری را تنزل می دهد و تئوری ای که با واقعیت نخواند، مانع مبارزه هملی می شود و چشم اندازهای آن را زایل می کند.

اشپلمن: طبیعتاً اصل پیشاهنگی تئوریک، این وظیفه را از دوش ما بر نمی دارد، که تئوری را مدام تکامل بخشیم. در این رابطه هزیمتگاه ما باید این باشد که در جهان نه یک تضاد، بلکه مجموعه پرشماری از تضادها، عمل می کند. به عنوان مثال، در کشور ما امروزه اغلب کارگران از وضعیت خود راضی نیستند. بخش قابل توجهی از کارگران در کشور های سرمایه داری، از آن رو می توانند خوب زندگی کنند، که نتایج فارت کشور های جهان سوم، روی زندگی آنها هم تاثیر گذاشته است. در اینجا یک مساله مهم اخلاقی مطرح می شود: آیا آدم میتواند خوشبخت باشد و بی دغدغه از نعمات مادی بهره مند شود، در حالی که هر روز در تلویزیون می بیند که در این کشورها انسانها چه سان دستخوش گرسنگی و فقرند؟

اکنون در سونیس نیروهایی وجود دارند که خواهان تحولند. در میان این نیروها مقدم بر همه جوانان ترقی خواه بیش از آنکه در اندیشه بهبود شرایط مادی زندگی باشند، خواهان تحقق یافتن ارزشهای نوین فرهنگی و اخلاقی اند. این نیروها معطوف به هدفهای دراز مدت تکامل اجتماعی اند. آیا در چنین شرایطی کمونیستها نباید خیلی از جنبه های فعالیتشان را بازنگری کنند؟ البته بی شک هنوز در سونیس در حوزه های سنتی جنبش کارگری کار انجام نشده بسیار است. به عنوان نمونه هنوز ما فاقد یک نظام فراگیر بیمه اجتماعی هستیم. هنوز بیمه تضمین شده ای در قبال بیماری و وجود ندارد و نظایر این ها.

✽ حرمل: رسیدن به دیدگاه‌های صحیح تنها یکی از شرایط ضروری فعالیت نتیجه بخش است. بقیه منوط به مبارزه است، منوط به روند تکامل تاریخ با همه زبک‌ها و تناقض‌های آن است. وظیفه کشورهای سوسیالیستی، احزاب پیشاهنگ و نیروهای جنبش‌های بخش ملی این است که در هر مرحله پاسخ‌هایی برای شرایط مشخص پیدا کنند که از زاویه پیشرفت بهینه باشد. آنها باید بتوانند خود را با واقعیت تضادمند و گرایش همومی ستیزهای اجتماعی و سیاسی انطباق دهند. این گرایش باید که قانونمندان، نهایتاً به پیروزی سوسیالیسم در همه کشورها راه برد، اگر چه ممکن است مسیرهایی که طی می‌شود یکسان نباشند.

سوسیالیسم و دموکراسی

✽ ناشیپلمن: حالا که تو مسئله راه‌های گذار به سوسیالیسم را مطرح کردی، من مایلم سؤالی را مطرح سازم. امروزه ما باید با مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا چه برخوردی داشته باشیم؟ در اسناد حزب ما هیچ‌گاه این مفهوم وارد نشد، اما احزاب دیگری هستند که مدام از این مفهوم استفاده می‌کنند. برخی از احزاب نیز مثل حزب کمونیست فرانسه چند سال پیش این مفهوم را کنار نهاده‌اند. آیا در حالی که دیکتاتوری پرولتاریا ناظر بر اقلیت مطلق است، آیا کاربست چنین مفهومی معنی دارد؟

✽ حرمل: ما از دیکتاتوری پرولتاریا حرف نمی‌زنیم ما از یک آلترناتیو پیشرو، ملی و دموکراتیک سخن می‌گوییم که باید راهگشای سوسیالیسم باشد.

✽ ناشیپلمن: همه می‌دانیم که مسئله قدرت مسئله اساسی هر انقلاب است. وقتی که کمونیست‌ها برای گذار کشورهایشان به سوسیالیسم می‌رزمند، باید در مورد راه‌های گذار به لحاظ تئوریک، اندیشه کنند. ایفای نقش پیشاهنگی تا حد زیادی بستگی به پاسخی دارد که مادر قبال این مسئله پیدا می‌کنیم.

بمانطور که گفتیم حزب ما هیچگاه از مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا استفاده نکرده است. اما این نظریه نیز که کمونیست‌ها به سادگی از طریق کسب اکثریت آرای انتخاباتی می‌توانند به قدرت دست یابند، برای ما کاملاً راضی‌کننده نیست. نمی‌شود که از طریق رای دادن به کسی اجازه دهند که دست به انقلاب بزنند. دموکراسی مبتنی بر انتخاب نماینده مهم است و این امکان را پدید می‌آورد که اراده اکثریت بازتاب خود را بیابد. اما انسانها از طریق انتخابات خود را در اختیار در دگرگونیا نمی‌بینند. از این رو حزب ما طرفدار خودگردانی سوسیالیستی است. اصل هالیه خودگردانی سوسیالیستی مشارکت مستقیم انسانها در دگر سازی جامعه است.

البته باز کردن مفهوم خودگردانی کار ساده‌ای نیست. اما ما لازم است بتوانیم این مفهوم را تدقیق کنیم، چرا که تکامل دموکراسی، ایجاد امکان برای بحث، و قابلیت عمل انتقاد و پذیرش پلورالیسم عقاید، منوط به تحقق آن است. ما می‌دانیم، از یکی شدن یک بقیه در صفحه بعد

ابتکاری که پیش می‌گیرند و نیز به شرایط هینی توازن قوای اجتماعی و ایدئولوژیک. هرگز نمی‌توان موفقیت را از پیش تضمین شده دانست.

پرسش‌ها بیش از پاسخ‌ها

✽ ناشیپلمن: امروزه مشکل عمده کمونیست‌ها به پیچیدگی مسائلی برمی‌گردد، که با آنها درگیریم. پرسیدنی است که آیا در جامعه کنونی پیشاهنگ طبقه کارگر بودن برای ایفای نقش پیشاهنگی در جامعه کفایت می‌کند؟ جامعه‌ای مثل سوئیس را در نظر بگیریم. در برخی از ایالات سوئیس تقریباً ۷۵ درصد مزدگیران در بخش خدمات شافلند و کارگران صنعتی بیش از ثلث مزدگیران را تشکیل نمی‌دهند. تازه بسیاری از آنها از این جا به آنجا می‌روند و فاقد مبنای حقوقی اجتماعی و سیاسی هستند. در چنین جامعه‌ای اساساً جنبش کارگری چه معنایی میدهد؟ این جنبش در شرایط فعلی چه در صدی از جمعیت رازیر پوشش دارد؟

زحمتکشان سوئیس در تمام دوره بعد از جنگ برای بهبود شرایط زندگی و مزد بهتر تلاش کردند. اکنون به اینها دست یافته‌اند. امروزه دیگر یک کارگر دغدغه‌اش لقمه‌ای نان نیست. او بدان می‌اندیشد که ماشینی که می‌خواهد بخرد باید چه رنگی باشد. چنین کارگری بر این اعتقاد است که از زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی بهتر زندگی می‌کند. در چنین شرایطی چگونه می‌توان او را به سمت مبارزه برای سوسیالیسم جلب کرد؟

✽ حرمل: البته این را نیز باید افزود که وضع زندگی زحمتکشان در سوئیس با بقیه کشورهای سرمایه‌داری هم به لحاظ امکانات، قابل مقایسه نیست.

✽ ناشیپلمن: من منکر این مسئله نیستم. اما گمان می‌کنم زمانی در تونس نیز چنین مسائلی بروز خواهد کرد. امروزه اغلب کارگران در سوئیس زندگی‌شان عملاً قسطی است: آنها به اقساط وسایل زندگی، ماشین و خانه می‌خرند. این بدان معنی است که آنها همین امروز دستمزد فردایشان را به مصرف می‌رسانند. از همین رو بعضاً به فکر اعتصاب نمی‌افتند. پای آنها در بند زنجیرهای تازه‌ای است. زنجیرهایی که چندان به چشم نمی‌خورند اما شاید محکمتر از زنجیرهای قدیمی باشند. به همین خاطر است که کششی به مبارزه ندارند. آیا در تونس نیز وضع چنین است؟

✽ حرمل: تا حدی چرا. در تونس امروزه وضع پیچیده‌تر شده است و لازم است که از شرایط تازه ایدئولوژیک و اجتماعی، یک تحلیل اساسی به عمل آید.

✽ ناشیپلمن: کلاً در همه جا وضع مشکل‌تر و تناقض‌آمیزتر شده است. ما دیگر حق نداریم به مواضع دکماتیک و راه‌حل‌های حاضر و آماده بچسبیم. ما باید مدام تجربیات عملییمان را بازبینی کنیم و استنتاجات خود را زیر سوال ببریم. آن هم در شرایطی که جامعه با شتاب در حال حرکت است.

در کشورهای سوسیالیستی نیز باید در مورد خیلی چیزها بازنگری کرد. به عنوان مثال در برخی از این کشورها مدت زمانی طولانی نقش مشوق‌های مادی در ساختمان سوسیالیسم دست کم گرفته شد و یا حتی کاملاً نفی شد. یک چنین نگرشی، بیگانه از زندگی بود. اکنون باید به واقعیات برگشت و دریافت که عوامل مادی می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند.

امروزه در اتحاد شوروی یک روند دگر سازی در جریان است. مبرهن شده است که حیات اجتماعی دموکراتیک، که زمانی کم اهمیت تلقی می‌شد، یکی از مهمترین عناصر ساختمان سوسیالیسم است. دیگر در این زمینه شکی وجود ندارد که سوسیالیسم بیشتر به معنی دموکراسی بیشتر است. از طریق تکامل بخشیدن به نظام خودگردانی می‌توان مشارکت واقعی همه آحاد جامعه را در حل مسائل زندگی تضمین کرد. در این رابطه مساله ما این نیست که باید تئوری خود را تصحیح کنیم، چرا که این تئوری همواره بر اهمیت دموکراسی در سوسیالیسم تاکید داشته است. وظیفه ما این است که این اصل را در زندگی واقعی تحقق بخشیم.

طبیعتاً ما مجاز نیستیم بر نظریاتی که با هینیت همخوانی نداشته‌اند، پانشاری کنیم. به اعتقاد من یکی از خطاهای اساسی ما کمونیست‌ها این بوده است که توانایی سرمایه‌داری، برای تکامل بخشیدن به خود و فلبه بر بحرانها و تضادهایش را دست کم گرفتیم. تزهایی که ما از آنها جوابهای فوری می‌گرفتیم، تزهایی از این قبیل که سرمایه‌داری به آخر خطر رسیده و لب گور است در حالی که سوسیالیسم مدام قوی‌تر می‌شود و آینده به آن تعلق دارد، دیگر دست کم در قریب کمتر کسی را متقاعد می‌کند. در قریب در سالهای اخیر نه چپ‌ها، بلکه نیروهای محافظه کار تقویت شدند و حتی مورد پشتیبانی بسیاری از جوانان قرار گرفتند. خلاصه این که آنچه که پیش آمد، دقیقاً عکس آن چیزی بود که ما بر مبنای تئوری خود، انتظارش را داشتیم.

✽ حرمل: رشد و تکامل احزاب کمونیست همچون روند تاریخ است که به صورت خط مستقیم رو به پیش نمی‌رود. ما مدام برای منافع زحمتکشان و برای حل حتی‌القدر صحیح مسائل کشور می‌رزمیم. می‌کشیم فعالیتیمان در همه زمینه‌ها کامل باشد. اما همواره با نتایج دلخواه خود مواجه نمی‌شویم. تعجبی هم ندارد که شرایط هادت شده، به کندی تحول می‌پذیرد. امکانات پیشرفت در لحظات و یا در دوره‌های چرخش در حیات کشور و در نقاط عطف تاریخ بیشتر می‌شود. اگر کمونیست‌ها در نقاط عطف سیاست صحیحی داشته باشند، نقششان به شکل فوق العاده‌ای برجسته می‌شود. در غیر این صورت حزب کمونیست عقب‌گرد می‌کند و به میزان زیادی نفوذش را از دست می‌دهد. در مقاطع تعیین کننده، آن هنگام که تضادهای اجتماعی به اوج خود می‌رسند، یک حزب انقلابی موظف است، نقش پیشاهنگ را در عمل ایفا کند و تصمیماتی بگیرد که معطوف به تحولات کیفی باشند. سر نوشت احزاب کمونیست به سیاستشان بستگی دارد، به مبارزه‌ای که پیش می‌برند،

چگونه می توان...

بقیه از صفحه قبل

حزب با دولت، چه مشکلاتی ناشی خواهد شد. در اینجا همه چیز بر می گردد به این سؤال که آیا با وجود یک نظام تک حزبی، دموکراسی و پیشرفت ممکن است؟ انتقاد بر می گردد به این که امکان انتقاد کردن وجود داشته باشد و برخورد عقاید تابع تنوع عقاید است. آیا اینها چیزهایی نیستند که در تئوری ما به دست فراموشی سپرده شده اند؟ تضادها زمینه ساز دیدگاههای مختلفند و در زمینه برخورد هاست که ایده های تازه و مسئولیت شخصی پدید می آید. در این رابطه لازم به تذکر می دانم که به اعتقاد من، ما در جنبش جهانی کمونیستی مدتهای مدید بحث و انتقاد متقابل را کنار نهاده بودیم.

✽حرم ل: به نظر من یک دولت پیشر و سوسیالیست نمی تواند از طریق کودتا، از طریق کودتای چپ و انقلابی از بالا حاصل شود. من کاملاً طرفدار دموکراسی هستم، این که اکثریت مردم باشند که اراده خود را متجلی می سازند و این که خواست و هزم مردم مورد توجه قرار گیرد. ما می دانیم در برخی از کشورها انقلاب از بالا به بار آورده است. این گونه کشورها سمت پیشری را اتخاذ کردند، اما با مشکلاتی فائق نیامدنی مواجه شدند و شدیداً کل جنبش را دچار خسران کردند. در جهان امروز، سوسیالیسم، آنگونه که ما از آن می فهمیم، اساساً به معنی قدرت اکثریت است و نه از وضعیتی موقتی، که ممکن است در شرایط مشخصی پدید آید، بلکه از وضعیتی پایدار که همخوان با گرایش تاریخ است، حاصل می شود.

ما کمونیستها در تونس طرفدار پلورالیسم هستیم، اگر چه در کشوری رو به رشد زندگی می کنیم که در آن اندیشه های حاکم منشی زورگویانه و سانترالیسم سلطه دارد. به نظر من پیشری و تکامل در یک مسیر ملی دموکراتیک و همچنین نبرد برای سوسیالیسم مستلزم شرکت گسترده نیروهای انقلابی و ترقیخواه است که کمونیستها تنها بخشی از آنها را تشکیل می دهند.

باید شکلهای مختلف همپیوندی و گروهبندی این نیروها را در نظر داشت. این همپیوندی نباید آنگونه که در بعضی کشورها دیده شد، مکانیکی حاصل شود. همپیوندی مکانیکی در وجه بیرونی تجلی دهنده وحدت است اما در درون مبتنی بر اختلاف عقیده شدیدی است که منجر به بحرانهای حادی می شود. چرا باید دلبسته جبهه ملی کارآمدی شد که به صورت یک حزب پیشاهنگ مارکسیستی متحول می شود، اما هم مارکسیستها و هم فیرومارکسیستها بدان تعلق دارند و بعداً ممکن است مسائلی که در آن پیش می آید با شیوه های فئودالی و حتی به زور اسلحه حل شود؟

حرکت تازه اکثریت

✽ناشپیلین: مدتهای یکی از عوامل اصلی ضعف جنبش کمونیستی، موقعیت دشوار سوسیالیسم

در اتحاد شوروی بوده است. آیا این

انریکو برلینگوئر نبود که زمانی گفت کشورهای سوسیالیستی جاذبه خود را از دست داده اند؟

✽حرم ل: چرا. برلینگوئر این سخن را در رابطه با انقلاب اکتبر گفته است.

✽ناشپیلین: بعد از دوره های که در سرتاسر جهان تعداد آن کسانی که از ایده های انقلاب اکتبر به حرکت در آمده اند، سرریز افزایش یافت، حالتی پدید آمد که من اسم آن را اثر "بومرنگ" می گذارم. (بومرنگ یک چوبدستی با قوسی معینی است که چون پرتاب شود، مجدداً به سمت پرتاب کننده بر می گردد). افشاگری هایی که در کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی صورت گرفت، اعضای حزب ما، و همه آنان را که از سوسیالیسم واقعی هواداری می کردند، سخت تکان داد. کارزار ضد کمونیستی دوره جنگ سرد هم بر روی تلقی از سوسیالیسم، تأثیر عظیمی گذاشت.

در غرب، رسانه های بورژوایی و به ویژه تلویزیون، تصویر خاصی از کشورهای سوسیالیستی ارائه داده اند. تا زمانی که تلویزیون وجود نداشت رفقای ما در برابر این سخن که در برابر مقارنه ها در شوروی و یا در لهستان صفهای طولی وجود دارد و چیزی برای خریدن موجود نیست همه یک حرف را می زدند: اینها همه اش تبلیغات ضد کمونیستی است. وقتی که تصاویر این صفها بر صفحه تلویزیون ظاهر شد، دیگر ما نمی توانستیم منکر آنها شویم. حوادث مشهور چکسلواکی و لهستان و بالاخره اعزام ارتش شوروی به افغانستان نهایتاً باعث شد که در غرب خیلی از افراد، از سوسیالیسم رویگردان شوند. دیگر باید صریحاً این حرفها را بگوییم.

اما در همین حال باید اضافه کنیم که اینها قادر نیستند بطور کامل، هلافت نفوذ حزب ما را توضیح دهند. مسئولیت عقب ماندگی ما، بر عهده خود ماست. در دوره جنگ سرد، در ایالت هایی که ما هلی رهم مشکلات در پیشبرد کار توده ای موفق بودیم، بهتر می توانستیم با کارزار ضد کمونیستی مقابله کنیم و مردم اعتمادشان را به ما حفظ می کردند. اما آجایی که نفوذ حزب ما اساساً به سیمای بین المللی سوسیالیسم واقعی و جنبش جهانی کمونیستی ربط پیدا می کرد، ما دچار ضربات سختی شدیم. (در برخی از ایالات بخش آلمانی زبان کشور حتی موجودیت ما از بین رفت).

منظور من از این سخنان این است که ما نباید بر خطاها و نقایص خودمان چشم پوشی کنیم و نیز به همینسان نباید مسئولیت کل جنبش کمونیستی در عرصه بین المللی و در هر کشور را نادیده بگیریم.

✽حرم ل: هیچ کس مجاز نیست که با دخالت دادن عوامل بین المللی، بر روی مسئولیت خود پرده افکند. اما همچنان که تو به درستی گفتی، به دلیل خصلت بین المللی جنبش ما هیچ حزبی بری از تأثیر این عوامل و اثرات مشخص سوسیالیسم هملاً موجود نیست. وضعیت کشورهای سوسیالیستی و سیاستی که آنها اتخاذ می کنند، در میان عوامل بیرونی، مهمترین جایگاه را دارند. به همین دلیل بود که سوسیالیسم هملاً موجود در دوره های معینی، تأثیر قوی مثبتی بر

روی مبارزه ملی، اجتماعی و دموکراتیک در کشورهای مختلف به جا نهاد.

✽ناشپیلین: این تأثیرگذاری مثبت تاکی بود؟

✽حرم ل: به سختی می توان مقطع مشخصی را نام برد. وجود سوسیالیسم واقعی، یک سائق مبارزه ما بوده است و همچنان خواهد بود. اما در دوره های معینی، آن جنبه های منفی که توبدان اشاره داشتی، برجستگی یافتند و به یک مانع، و حتی یک مانع جدی، بدل شدند. ما اکنون پی برده ایم که کشور رهبری کننده سوسیالیسم یعنی شوروی، بیش از یک دهه و نیم است که در حالت رکود به سر می برد است.

من با آنچه که تو در مورد نقش رسانه های گروهی قریب گفتی موافقم. تلاش آنها آن بوده است که تصاویر ساده شده و مقشوشی از سوسیالیسم ارائه دهند. تبلیغات ضد شوروی از مشکلات و خطاهای صورت گرفته در این کشور، این استفاده را کرد که تزاصلی خود مبنی بر این که سوسیالیسم یعنی رکود و سطح زندگی پائین تر و این که همه چیز در غرب بهتر است را در اذهان فرو کنند. در کشورهای عقب مانده و در نزد افرادی که از کمونیستها پشتیبانی می کردند نیز این تبلیغات گوش شنوایافته است.

عده ای نمی فهمند که مشکلات موجود، ذاتی سوسیالیسم نیستند و تنها محصول دوره معین و محدودی هستند که نظم نوین هنوز همه امتیازاتش را بروز نداده و هدفهای تعیین شده هنوز تحقق نیافته اند. هلی رهم این که ما کوشیدیم واقعیات را بیان کنیم (هر چند که بعضاً در این زمینه هوشمندانه عمل نکردیم)، آن رکودی که رسانه های قریب برجسته اش می کردند، تأثیر خود را به جا نهاد و باعث شد باور به آرمانهای کمونیستی و چشم اندازهایی که ما ارائه می کردیم، تضعیف شود.

به عنوان مثال از ما در مورد هلا حوالت لهستان سؤال می کنند. ما در برابر این سؤال می گوئیم، طبیعتاً در کشورهایی که در آنها انقلاب سوسیالیستی روی داده است، پیشرفتهای زیادی صورت گرفته، اما جوامع سوسیالیستی هنوز جوامعی ایده آل نیستند. این جوامع مسائل، مشکلات، تضادها و خطاهای خود را دارند. ما همچنین می گوئیم: چرا ما باید مسئول حوادث کشوری باشیم که هزاران کیلومتر از ما دور است؟ به همینسان هیچ کس نمی تواند بگوید زرقای لهستانی مسئول خطاهایی هستند که ممکن است ما کمونیستهای تونسی مرتکب شویم. بر مبنای رفتار ما در جهان سوسیالیسم نیز، بر روی ما قضاوت می شود.

واقعیات موجود، تناقض آمیز است. از اینرو به نظر من کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی دارای یک اهمیت تاریخی بود. اکنون این امید پدید آمده که کشورهای سوسیالیستی به سمت جلو خیز بردارند و نظم نوین، جذابیت خود را باز یابند. بدین ترتیب جنبش بین المللی دموکراتیک، انقلابی و رهایی بخش نیروی تازه ای برای حرکت پیدا می کند.

✽ناشپیلین: نظام سرمایه داری، در مقایسه با جهان سوسیالیستی دستخوش بحران به مراتب همین تری است. در جهان سرمایه داری

تنهایی نمی‌توانند به هدفهای خود نایل شوند و از اینرو دریافتند که تماس با نیروهای دیگر و از جمله کمونیستها، اجتناب ناپذیر است. این تماسها برای حزب ما نیز ضروری است. بدین ترتیب در تونس یک منش سیاسی تازه پدید آمد. اکنون افرادی با دیدگاههای مختلف منظم با هم دیدار دارند تا مسائل مشترک را حل کنند و عمل مشترکی را سازمان دهند. ما خود را در کشور، منزوی احساس نمی‌کنیم.

***اشپیلمن:** در پایان بحث من مایلیم بر روی این نکته تاکید داشته باشیم که می‌توان خط سیاسی تروتمیزی پیشه کرد و به ایده‌هایی عالی دست یافت. اما همه اینها وقتی که ما ندانیم چگونه می‌توانیم آنها را توده‌گیر کنیم، بی‌فایده است. کمونیستها باید در مورد کل فعالیت روزنامه‌نگاری و تبلیغی خود تجدیدنظر کنند و در هر صه کار فرهنگی قوی‌تر شرکت جویند. تنها بدین ترتیب است که مردم می‌توانند تصور صحیحی از آن شیوه زندگی، که ما هوادارش هستیم، داشته باشند. ما تنها بدین ترتیب می‌توانیم هواداران تازه‌ای پیدا کنیم.

به نظر من یک خطای همومی احزاب کمونیست این بوده است که به موقع دریافتند که شیوه‌های اشاعه اندیشه در جوامع امروز دستخوش چه تغییرات شگرفی شده است و تبلیغات و خبر پراکنی چه سرهتی یافته است. ما تا همین اواخر رویدادهای جهان را بویژه اگر به کشورهای سوسیالیستی مربوط می‌شدند، با این پا و آن پا کردن تفسیر می‌کردیم و به سوالات "تأراحت کننده" با تأخیر جواب می‌دادیم. اکنون وضع ما در این زمینه بهتر شده است. ما با دشمنی طرفیم، که امکانات عظیمی را در اختیار دارد. این دشمن می‌داند که نمی‌تواند با کمک اسلحه سوسیالیسم را نابود کند. از اینرو می‌کوشد اتحادیه سوسیالیسم را از بین برد و در این زمینه همه رسانه‌های گروهی را به کار می‌گیرد. ما تنها به استفاده از مطالبات بسنده می‌کنیم و تازه به صرافت افتاده‌ایم که شیوه‌های موثر تبلیغاتی را پیدا کرده و تکامل بخشیم. امیدواریم بعنوان مثال نشریه "صلح و سوسیالیسم" هم در این جهت به ما کمک کند. یافتن شیوه‌های موثر تر تبلیغ نه کار صرفاً احزاب جداگانه، بلکه وظیفه کل جنبش ماست.

***جرمل:** هر چه ابتکارات ما در زمینه کار نظری و عملی بیشتر باشد، هر چه بیشتر ما بتوانیم راههای موثرتری برای مبارزه در جهت منافع زحمتکشان و تمامی خلق بیابیم، و هر چه ما به اتحادهای کارآمدتری شکل بدهیم، این خطر کمتر می‌شود که احزاب کمونیست ضعیف شوند و در حیات سیاسی نقشی حاشیه‌ای ایفا کنند. امروزه که اوضاع دستخوش تغییرات همیتی است، ما باید بر دکماتیسیم و انفعال قبله‌گیریم و در برابر همه نیروهای ترقی‌خواه و چپ، سیاست هلنیت را پیش گیریم، تا بتوانیم وجهه خود را حفظ کرده و نقش ویژه خود را ایفا کنیم. خطر بزرگ در برابر کمونیستها و همه نیروهای انقلابی، علاوه بر ناتوانی در شناختن خلعت حقیقی مشکلات هینی، انزواجویی و خطاهای راست و "چپ" است.

همچنان اختلاف نظرهای اساسی وجود دارد. اکنون مهم است که با توجه به نقطه نظرهای نوین مطرحه در کشورهای سوسیالیستی، مجدداً در مورد اختلافاتمان به بحث بنشینیم. امروزه امکان بیشتری برای اتحاد و همپیوندی وسیع وجود دارد. من به عنوان مثال بر روی این سؤال که میخائیل گرباچف مدام آن را تکرار می‌کند، فکر کرده‌ام: آیا امروزه سرمایه‌داری قادر است بدون دست زدن به جنگهای تازه بر بحران‌های خود فلبه یابد؟ اگر آری، چگونه و واکنش ما چپها باید در قبال آن چگونه باشد؟ این هر صمادی برای بحث و تبادل نظر و نزدیکی بین کمونیستها، سوسیال دموکراتها، سبزه‌ها، سازمانهای ترقی‌خواه مختلف، جنبش صلح و جنبش‌های رهایی بخش ملی است.

***جرمل:** همانگونه که در آغاز صحبت گفتیم، جنبش انقلابی بسیار وسیعتر شده است. اکنون تنها این کمونیستها نیستند که برای امر طبقه کارگر و هلاقی ملی می‌رزمند. آن چنین حقیقت مطلق که دیگران از آن کاملاً بیگانه باشند، در انحصار آنها نیست و علاوه آنها تنها پرچمداران ترقی اجتماعی نیستند. سالهای طولانی ما در مبارزه‌مان تنها بودیم و الان جای خوشوقتی است که تنها نیستیم. البته طبیعی است که نیروهای دیگر با ایدئولوژی‌های خود و برنامه عمل خود وارد صحنه مبارزه می‌شوند. در این رابطه مسائل تازه‌ای مطرح می‌شوند و وضعیت ایدئولوژیک نوینی پدیدار می‌شود که نایستی با الگوهای کهنه با آنها برخورد داشت.

***اشپیلمن:** تجربه ما نشان می‌دهد که امکان موفقیت سیاست اتحادها بستگی به توازن مشخص نیروها دارد. در آنجایی که حزب ما دارای نفوذ توده‌ایست و دیگر احزاب حمایتند، به اتحادهای انتخاباتی و همکاری‌های سیاسی با کمونیستها رو می‌آورند. علاوه موفقیت سیاست اتحادها، تابع قابلیت ما برای برقراری تماس با نمایندگان گروههای مختلف مردم نیز هست. ما در این رابطه اکنون فعالیت خود را همدتا بر روی جوانان متمرکز کرده‌ایم.

***جرمل:** به نظر من در تونس نقطه نظرهای کمونیستها در سالهای اخیر در جهت مثبتی متحول شده است. ما در کنگره نهم خود در سال ۱۹۸۷ با صراحت گفتیم که حقیقت منحصراً در اختیار ما نیست. ما تاکید کردیم که حل مسائل کشور منوط به آن است که اتحاد وسیعی از نیروها شکل گیرد که قادر باشد از منافع ملت و زحمتکشان دفاع کند و راه ترقی را پیش گیرد. ما چنین کاری را پیش بردیم که ساده نبود. در زندگی سیاسی تونس، مدتهای مدید واژه اتحاد معنایی نداشت. حزب حاکم "دستور" بر این عقیده بود که به تنهایی می‌تواند مسائل کشور را حل کند و از اینرو فعالیت دیگر نیروها را نمی‌می‌کرد. بالاخره دستخوش بحران همیتی شد و مجبور گردید به اصل پلورالیسم گردن نهد.

به ابتکار ما کاوش برای یافتن نقاط مشترک مقدم بر همه در مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک، آغاز شد. گروه‌بندی‌های تازه یکی پس از دیگری به این نتیجه رسیده‌اند که به

می‌کوشند بحران را با وسایلی بر طرف کنند، که پی‌آمد آن وخامت زندگی زحمتکشان است. از زمانی که در ایالات متحده آمریکا آغاز بدان کردند که تحت لوای شعارهایی چون "دولت کمتر"، دست انحصارات را کاملاً باز بگذارند و باصطلاح از یک کورس "نئولیبرالی" پیروی کنند، فقر و فاقه به شکلی بی‌سابقه گسترش یافت و تازه آمریکا ثروتمندترین کشور جهان است. آمریکا کسر بودجه عظیمی دارد. در کشورهای اروپای غربی نیز، وضع به همینسان است.

در مرحله معینی ماهیت سوسیالیسم محشوش شد و این امر به بحرانی جدی و در مواردی به تراژدی‌هایی واقعی منجر گردید. به اعتقاد ما بحران موجود، بحران رشد ارگانیسم نوین اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است. سوسیالیسم برای این که بر مشکلات خود فائق آید، نیازی به نسخه‌های سرمایه‌دارانه ندارد. اکنون داروهایی یافته شده، تا آن بیماری‌ای که سالهای متمادی سوسیالیسم هملاً موجود و کل جنبش کمونیستی را تضعیف کرده بود، بهبود یابد. این دارو دموکراسی و هلنیت است.

***جرمل:** به نظر من هم، راه صحیحی انتخاب شده است. بر مبنای این راه ما پذیرای انتقادات سازنده هستیم و البته نه انتقاداتی از موضع دشمنان طبقاتی که این نوا را سر می‌دهند که سوسیالیسم بدست و سرمایه‌داری خوب. ما تصورات تخیلی در مورد سوسیالیسم و همبستگی "صوری" با سوسیالیسم را کنار نهاده‌ایم. اکنون باید از دیدگاههای واهمنه‌نشانه در مورد سرمایه‌داری، مبنی بر این که این جامعه، کلاً جامعه انگلهاست و دستخوش عقب‌گرد مداوم است نیز، فاصله گیریم. سرمایه‌داری توانسته است خود را با تحولات انطباق دهد و بارش دادن به نیروهای مولد، حتی موفقیت‌های قابل توجهی کسب کند. البته این موفقیت‌ها به بهای شدیدترین تضادهای به بهای بیکاری وسیع و بستن کارخانه‌ها و معمراتر از همه از قبل استثمار خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، حاصل شده است.

نباید احساس انزوا کرد

***اشپیلمن:** کلاً اینطور به نظر من می‌رسد که جنبش جهانی کمونیستی، نقطه حضيض را پشت سر نهاده و دیگر می‌رود که نفوذش را از دست ندهد و مجدداً بر آن بیفزاید. جهان به نظر ما روند مثبتی را طی می‌کند. این که خیزش تازه تاجه حد پیش رود، همدتا بستگی بدان دارد که ما چه درکی از آن داشته باشیم، به مسائل تازه‌ای که مطرح می‌شود چگونه پاسخ‌هایی شایسته دهیم. مسائل تازه نه فقط در هر صه سیاست بین‌المللی بلکه در هر کشور جداگانه در دستور کار قرار دارند.

برای مواجه شدن با تضادهای جهان معاصر، باید اتحاد وسیعی از نیروهای خرد و ترقی - هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی پدید آید. هنوز موقعیت جنبش کارگری زیر تأثیر تقسیم نیروهای چپ به کمونیستها، سوسیالیستها و تروتسکیستهاست که دارای ریشه‌های تاریخی است. بین کمونیستها و سوسیال دموکراتها

کره جنوبی

در آستانه برگزاری بازی های المپیک

گردید. جمهوری خلق کره از مدت ها پیش چنین موضعی دارد و در رابطه با وحدت دو کره خواستار تشکیل دولتی با عنوان "جمهوری دموکراتیک فدراتیو کره" است. دولت کره جنوبی تاکنون با این پیشنهاد مخالفت کرده و در برابر پیشنهاد تازه کیم ایل سونگ هنوز موضع روشنی نگرفته است.

دولت سئول در آستانه بازی های المپیک ممنوعیت های تازه ای برای انجام تظاهرات وضع کرده است. دولت ۹۰ درصد محلات شهر سئول را "منطقه آرامش" نام نهاده که در آن ها انجام تظاهرات سیاسی ممنوع است. هلی رزم این ممنوعیت ها تظاهرات دانشجویی در کره جنوبی ادامه دارد و پیش بینی می شود که هفته آینده وسعت بیشتری یابد. در روز پنجشنبه هفته گذشته هزاران دانشجو در محوطه دانشگاه سئول دست به تظاهرات زدند. خواسته تظاهرکنندگان آزادی زندانیان سیاسی در این کشور است، که حدود ۱۰۰۰ نفر برآورد می شوند.

برای نخستین بار در طول تاریخ برگزاری بازی های المپیک، المپیک امسال در سئول همراه با حضور وسیع ناوگان دریائی آمریکا در آب های کشور میزبان بازی ها خواهد بود. روز پنجشنبه هفته گذشته (۸ سپتامبر) ناو هواپیمابر میدوی به سمت سواحل کره جنوبی به حرکت درآمد. ناو "میدوی" به دو کشتی جنگی دیگر آمریکا خواهد پیوست تا با صلاح در صورت بروز "حوادث غیر مترقبه" آماده عملیات باشند. در روزهای آینده کشتی جنگی دیگری به ناوگان آمریکایی مستقر در سواحل کره جنوبی خواهد پیوست. دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره این اقدام دولت آمریکا و نیز تدابیر جنگی ژاپن و دولت سئول را محکوم کرد و آت را تهدیدی علیه کره شمالی دانست. در هفته گذشته کیم ایل سونگ رئیس جمهور کره شمالی در مراسم چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری دموکراتیک خلق کره خواستار انجام یک ملاقات بین سران دو کره و تشکیل کمیته ای به منظور بهبود مناسبات دو کشور و بررسی امکان وحدت مجدد

کمک های مالی رسیده

برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور

از نور شو پینگ سوئد	۴۰۰ کرون
از هالمو سوئد	۳۷۱ کرون
" " "	۴۰۸ کرون
" " "	۳۰۶ کرون
" " "	۴۴۰ کرون
از امثو سوئد	۱۴۵۳ کرون
توسط یک رفیق از امثو سوئد	۲۰۰ کرون
از امثو سوئد	۱۱۰۰ کرون

به یاد رفیق قهرمان انوشیروان لطفی
از لولئو سوئد

۳۰۰ کرون
۴۰۰ کرون
۷۵۰ کرون

به یاد رفیق انوش از دالارنا سوئد
یک دوست از امثو سوئد
کمک گردآوری شده در محل اختصاص غذا برای زندانیان سیاسی ایران در امثو سوئد
به یاد رفیق انوش از پاریس فرانسه
ژوئیه از پاریس فرانسه
از سوی رفقای از شهر برلین غربی
" " "

۱۳۰۰ کرون
۱۶۱۳ فرانک
۲۱۳۰ فرانک
۶۰ مارک
۵۰ مارک

کمک برای خانواده های زندانیان سیاسی
از شهر هامبورگ آلمان فدرال
آرش از هندوستان
"با امید به فردای پیروز" برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کانادا
از محل کار هده ای از رفقا از تورنتو کانادا
"شاکای شوکی" از جناح چپ حزب سوسیالیست ژاپن برای کمک به زندانیان سیاسی و همبستگی با مبارزات مردم ایران

۲۰ مارک
۵۰۰ دلار
۱۶۰ دلار
۳۰۰ دلار
۲۰۰۰۰ ین

کشتار در بوروندی

بر کشور حاکم شود. این امر در سال ۱۹۷۲ منجر به کشتار ۵۰۰۰۰ نفر از اهالی هوتو و در هفته های گذشته منجر به کشتار ۲۶۰۰۰ نفر دیگر از اهالی این قوم شد.

ریشه درگیری های قومی در بوروندی اساسا به دوره استعمار، آن هنگام که این کشور تحت سلطه استعمارگران بلژیکی بود، برمی گردد. ترتیب امور از ابتدا این گونه داده شد که اقلیت توتسی

سخنرانی به مناسبت اولین سالگرد آغاز فرمانروایی خود با وقاحت تمام اعلام کرد: "پرواضح است که قومی که بخواهد بر این کشور حکومت کند، بایستی کمر به نابودی قوم دیگر بربندد."

بقیه از صفحه آخر

هوتو و ۱۵ درصد به قبیله توتسی تعلق دارند. حکومت در بستر در اختیار اقلیت توتسی است و ترکیب ارتش و پلیس نیز صرفا از توتسی ها است. اکنون یک ماه است که ارتش توتسی ها دست به کشتار اهالی متعلق به طایفه هوتو زده است. نفرات ارتش به دهکده ها هجوم می برند، خانه ها را به آتش می کشند و به هیچ کس خاصه جوانان هوتو رحم نمی کنند. ۹۰ درصد جمعیت بوروندی بی سوادند. ارتشی ها لیستی در اختیار دارند که در آنها نام باسوادان قبیله هوتو قید شده است. آنها در درجه اول این افراد را پیدا کرده، سر می برند و یا تیرباران می کنند.

در هفته گذشته دیکتاتور بوروندی که رئیس جمهور پیربویا نام دارد و یک سال پیش بر مسند قدرت نشسته است، در یک



سندیکاهای لهستان خواهان برکناری دولت شدند

اهتصابات کارگری در لهستان پایان یافته و به دنبال دیدار وزیر کشور بالغ والسا رهبر اتحادیه شیرقانونی "همبستگی" (زولیدارنوش) بحث بر سر آینده جنبش سندیکایی در این کشور در محافل کارگری و در رسانه های عمومی لهستان بالا گرفته است.

لخ والسا و پیروان وی خواهان تعدد سندیکاهای کارگری و درگام نخست قانونی شدن اتحادیه "همبستگی" هستند تا از این طریق به گفته خود آنها بعدا بتوانند یک نظام "پلورالیستی" را در لهستان مستقر کنند.

شورای مرکزی سندیکاهای لهستان که یک اتحادیه فراگیر کارگری است با خواسته موجودیت دادن به سندیکاهای مختلف در هر کارخانه مخالف است. در هفته گذشته آلفرد میودویچ رئیس شورای مرکزی سندیکاهای لهستان و فعال کارگری فعال باشند و به نفع کارگران عمل کنند. به نظر آلفرد میودویچ که خود عضو دفتر سیاسی حزب کارگران لهستان و نیز نماینده پارلمان است، ریشه اهتصابات کارگری اخیر را باید در سیاستهای فلت دولت نخست وزیر زیگنیف مسنر جستجو کرد. رهبر سندیکاهای لهستان در یک سخنرانی تلویزیونی به دولت مسنر انتقاد کرد که با اتخاذ تدابیر اقتصادی فلت به افزایش قیمتها و نارضایتی اهالی دامن زده است. وی گفت که شورای مرکزی سندیکاهای لهستان خواهان برکناری دولت مسنر است.

از میان دیگر رویدادها

● گوستاو موساک رئیس جمهور چکسلواکی در هفته گذشته برای یک دیدار عروزه وارد پکن شد. این اولین سفر یک رهبر کشور چکسلواکی به چین پس از ۳۰ سال است.

● در روز چهارشنبه هفته گذشته (۷ دسامبر) کنفرانس چهار روزه وزرای خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در نیکوزیا پایتخت قبرس آغاز به کار کرد. فانون شامویاریا وزیر خارجه زیمبابوه که همدهدار ریاست دوره ای جنبش غیرمتعهدهاست در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس از اقدامات تروریستی دولتهای اسرائیل و آفریقای جنوبی و نیز مداخله جویی های آمریکا در افغانستان و نیکاراگوئه، شدید انتقاد کرد.

● در هفته گذشته در دادگاه عالی اتحاد شوروی محاکمه یوری چوربانوف معاون سابق وزارت کشور به جرم رشوه گیری آغاز شد. چوربانوف متهم است که برای سرپوش گذاشتن بر یک پرونده فسادکاری مالی در ازبکستان، مبلغ هنگفتی که معادل دو میلیون مارک آلمان فدرال می شود، رشوه گرفته است. چوربانوف داماد لئونید برژنف دبیرکل اسبق حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

پیچیدگی اوضاع در برمه .

تظاهرات به دانشگاه رانگون فرستاده شده بودند، به جمع دانشجویان تظاهر کننده گریختند و فریاد بر آوردند که "ما طرفدار - دموکراسی هستیم نه طرفدار فاشیستها". در هفته گذشته یونو رهبر حکومت سابق برمه که در سال ۱۹۶۲ با کودتای ژنرال نه وین سرتگون شد تلاش کرد که خود دولتی تشکیل داده و رهبری اپوزیسیون را در دست گیرد. امید یونو که نخست وزیر پیش از کودتای ژنرال خودکامه نه وین بود، بر آن است که بتواند عده ای از سران ارتش را با خود همراه کند.

در روزشنبه ۱۹ شهریور خبرگزاریها اعلام کردند که دولت ژنرال نه وین با برگزاری انتخابات عمومی موافقت کرده است. هنوز از واکنش اپوزیسیون در قبال این تصمیم گزارشی منتشر نشده است.

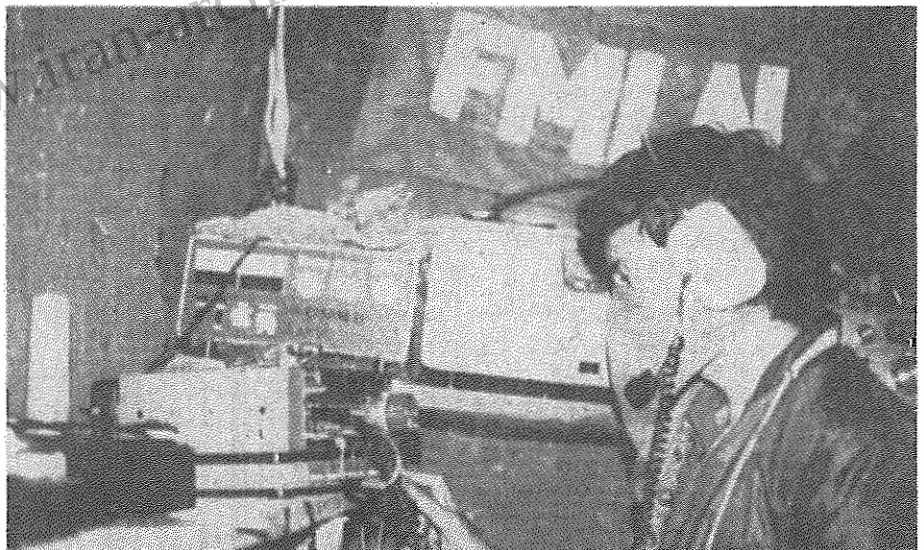
جنبش برای دموکراسی در برمه مدام گسترده تر می شود و در همین حال به دلیل مشخص نبودن سمت و سو آینده آن و نیز چند پارچگی اپوزیسیون وضعیت سیاسی این کشور همچنان در حالت پیچیدگی و ابهام است. در روز دوشنبه ۱۲ سپتامبر قرار است تنها حزب قانونی کشور، حزب موسوم به "برنامه سوسیالیستی" که از سال ۱۹۶۲ تاکنون بر برمه حکومت می کند، کنگره فوق العاده ای تشکیل دهد تا در آن در مورد قانونی شدن نظام چند حزبی تصمیم گرفته شود.

تظاهرات توده ای در کشور که شرکت کنندگان در آن گاه به نیم میلیون نفر می رسند همچنین ادامه دارد. نیروهای پلیس و ارتش با تظاهر کنندگان با خشونت بسیار رفتار می کنند. در هفته گذشته ۲۰۰ سرباز به صورت هلنی به مخالفین پیوستند. آنها که برای سرکوب یک

حمله رزمندگان جبهه آزادی بخش فارابوندمارتی به یک پایگاه نظامی

مادران زندانیان و کشته شدگان سیاسی "خبر داد که از آغاز اوت ۱۹۸۷ تاکنون ۱۳۹ نفر در السالوادور "ناپدید" شده اند. پلیس و گروه های فاشیستی تحت حمایت دولت مخالفین را می ربایند و پس از شکنجه، مخفیانه به قتل می رسانند.

رزمندگان جبهه آزادی بخش فارابوندمارتی در السالوادور به یک پایگاه نظامی در نزدیکی سان سالوادور حمله کردند و ضربات سختی بر دشمن وارد آوردند. در این حمله که ساعتها طول کشید ۵۰۰ چریک شرکت داشتند. در هفته گذشته "اتحادیه کمیته های



اینجا رادیو "ون سهره موس" (پیروزی) است - رادیو "ون سهره موس" که برنامه های خود را از داخل خاک السالوادور پخش می کند در هدایت مبارزه نقش بسیار مهمی دارد.

تروریسم نژادپرستان

شده بود، از بین رفت. لازم به ذکر است که در این مرکز، سازمانهای ضد نژادپرستی نیز دارای دفتر نمایندگی بودند. یک سال پیش نژادپرستان به همین شیوه مرکز اتحادیه کارگری کوساتورا منفجر کردند. آخرین هدف اقدامات تروریستی نژادپرستان به آتش کشیدن خانه ویلی ماندلا همسر نلسون ماندلا بود.

بر اثر انفجار یک بمب در مرکز شورای کلیساهای آفریقای جنوبی، ساختمان مقر این شورا ویران شد ۲۵۰ نفر زخمی گردیدند. رهبران کلیسا بلافاصله نژادپرستان را مسئول این اقدام تروریستی اعلام کردند. بر اثر انفجار پرونده اسنادی که در مورد جنبش نژادپرستان در شورای کلیساهای آفریقای جنوبی جمع آوری

شیلی:

دبیرکل حزب کمونیست به کشور باز می‌گردد

پینوشه مضحکه‌ای به اسم همه پرسی به راه انداخته تا بر طول عمر حکومت خود بیفزاید. این همه پرسی که بر آن انتخاب رئیس جمهور نام نهاده‌اند و تنها کاندیدای آن شخص دیکتاتور است. در روز ۱۵ اکتبر برگزار خواهد شد. اپوزیسیون چپ در شیلی پس از مدتی بحث درونی به این نتیجه رسید که باید اهالی را فرخواند تا در روز ۱۵ اکتبر به پینوشه رای منفی دهند. ابتدا این موضوع مطرح بود که آیا شرکت در یک همه پرسی که خود دیکتاتور به راه انداخته به معنی نوعی گردن نهادن به نظام نیست؟ چپ به این نتیجه رسید که شرکت در این همه پرسی، هیچ توهمی را بر نمی‌انگیزد و کانالی برای به راه انداختن یک کارزار وسیع مبارزاتی محسوب می‌شود. البته هیچ شکی وجود ندارد که دیکتاتوری حاکم دست به وسیع‌ترین تقلب‌ها خواهد زد، اما داشتن موضع تحریم ممکن بود دست پینوشه برای تقلب کردن را بیشتر باز بگذارد.

حزب کمونیست شیلی امکان پذیر شدن بازگشت مهاجرین سیاسی را یک پیروزی جنبش دموکراتیک توصیف کرده و در ضمن افزوده است که پینوشه می‌خواهد با گردن نهادن به این خواست جنبش، برای همه پرسی ۵ اکتبر، چهره نویب آمیزی به خود بگیرد.

در هفته گذشته کونیس کوروالان دبیرکل حزب کمونیست شیلی اعلام کرد که وی نیز در هفته‌های آینده به کشور باز خواهد گشت. وی اکنون در آمریکای جنوبی به سر می‌برد. این تصمیم، بازتاب وسیعی در شیلی یافته است. علاوه بر کوروالان همه دیگری از شخصیت‌های سیاسی و فعالین جنبش سندیکایی در شیلی اعلام کرده‌اند که به زودی به میمن باز خواهند گشت.

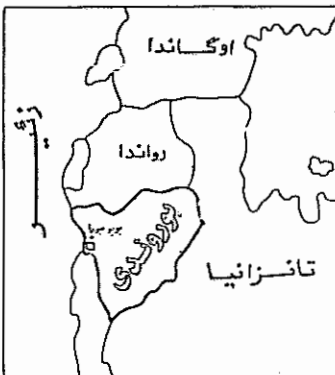
استعمار نو مسئول گرسنگی در آفریقا است

در هفته گذشته سومین کنگره مواد غذایی و تغذیه در آفریقا در حراره پایتخت زیمبابوه برگزار شد. کنگره با سخنرانی رابرت موگابه رئیس‌جمهور زیمبابوه آغاز به کار کرد. موگابه در سخنرانی خود گزارشی از گرسنگی در آفریقا ارائه داد که به شدت تکان دهنده بود. وی در سخنرانی خود گفت ۷۰ میلیون آفریقایی یعنی یک پنجم جمعیت این قاره در گرسنگی مطلق به سر می‌برند. وی استعمار نو را مسئول گرسنگی در آفریقا دانست.

بنابر ارقامی که در این کنگره ارائه شد در آفریقا از هر چهار کودک یک نفر به دلیل تغذیه نامناسب قبل از پنج سالگی می‌میرد. در آفریقا تولید مواد غذایی در طی دهه ۶۰، ۷ درصد و در طی دهه هفتاد، ۲۵ درصد کاهش یافته است. استعمار نو، تخاصات منطقه‌ای، وجود دیکتاتوری‌ها و حکومت‌هایی چون آفریقای جنوبی که باعث می‌شود بودجه کشورها صرف تسلیحات شود، این وضعیت را پدید آورده است.

با افزایش جمعیت و بلایای طبیعی همچون بارش باران شور و گسترش صحاری مدام ابعاد گرسنگی در آفریقا بیشتر می‌شود.

کشتار در بوروندی



در هفته گذشته خبرهای بس تکان دهنده‌ای در مورد کشتار در کشور آفریقایی بوروندو انتشار یافت. ارتش در این کشتار در تهاجمی بسیار وحشیانه و جنایت‌آمیز ۵۰۰۰ نفر را کشت. همه کشیری مجبور شدند به کشور همسایه، رواندا، بگریزند. تعداد پناه گزفتگان در رواندا بالغ بر ۶۰۰۰۰ نفر می‌شود که نیمی از آنها کمتر از ۱۵ سال دارند. فرار به رواندا همچنان ادامه دارد و گفته می‌شود که هنوز به طور متوسط روزانه ۶۰۰ نفر از بوروندی به رواندا پناه می‌برند. سازمان‌های بین‌المللی برای کمک رسانی به پناهجویان در رواندا بسیج شده‌اند، اما کمک‌های اختصاص یافته بسیار ناچیزند. فراریان در زیر آسمان باز می‌خوابند و چیزی برای خوردن ندارند. در رواندا که خود کشور بسیار فقیری است مرگ از گرسنگی و بیماری جان

فراریان را تهدید میکند. بسیاری از فراریان زخمی‌اند و هنوز مورد مداوا قرار نگرفته‌اند.

در سال ۱۹۷۲ نیز بوروندی شاهد چنین کشتار فجیعی بوده است. این کشور که جزو ۲۵ کشور بسیار فقیر جهان است، دارای یک ساخت قبیله‌ای است. ۸۰ درصد از جمعیت ۴ میلیونی کشور به قبیله بقیه در صفحه ۱۴

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»
۱۳ مارک	۱۱ مارک	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثريت»
۳۰ مارک	۲۷ مارک	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸	۵۲	☐ يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 224
MONDAY, 12 Sep. 88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید